

فهرست نویسی پیش از انتشار: توسط مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

رسالة احکام برای جوانان / مکارم شیرازی. - قم: مدرسه الامام
علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۵ ق. = ۱۳۸۳.

ISBN: 978-964-6632-65-3

ص ۱۷۶

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

۱. فقه جعفری -- رساله عملیه -- ادبیات نوجوانان.

الف. عنوان.

۲۹۷/۳۴۲۲

BP ۱۸۳/۹ / م ۷ ر ۵۰۱۵

ناشر برگزیده سال ۱۳۸۴

احکام جوانان

مؤلف: حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته)

تیراژ: ۱۰/۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: پانزدهم

تعداد صفحات و قطع: ۱۷۶ صفحه / رقعی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶

چاپ: نینوا

ناشر: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۳۲-۶۵-۳



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفکس: ۷۷۲۲۴۷۸

www.amiralmomeninpub.com

اهدایی به سفارش

دفتر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیتے

علی بن ابی طالبؑ

ذمہ است انشاء اللہ



نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع عظیم الشان حضرت آية الله العظمى مكارم شيرازى «دام ظلّه»

۱. آغاز پربرکت

حضرت آية الله العظمى مكارم شيرازى در سال ۱۳۴۵ هجری قمرى در شهر شيراز در میان یک خانواده مذهبی که به فضائل نفسانى و مكارم اخلاقى معروفند دیده به جهان گشود. معظم له تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در شيراز به پایان رسانید. هوش و حافظه قوی و استعداد ممتاز، وی را در محیط مدرسه در ردیف شاگردان بسیار ممتاز قرار داده بود.

۲. حیات علمى

با اینکه هیچ یک از افراد خانواده او در کسوت روحانیت نبود، تنها عشق شدید به معارف اسلامى (طی حوادث جالبی) سرانجام ایشان را به این رشته پرافتخار کشانید. معظم له در حدود ۱۴ سالگی رسماً دروس دینی را در «مدرسه آقا باباخان شيراز» آغاز کرد و در مدت اندکی نیازهای خود را از علوم: صرف، نحو، منطق، معانی، بیان و بدیع به پایان رسانید. سپس توجه خود را به رشته فقه و اصول معطوف ساخت و به خاطر

نبوغ فوق‌العاده‌ای که داشت مجموع دروس مقدماتی و سطح متوسط و عالی را که معمولاً طلاب در ده سال سپری می‌کنند، در مدتی نزدیک به چهار سال! به پایان رساند. در همین سالها گروهی از طلاب حوزه علمیه شیراز را نیز با تدریس خود بهره‌مند می‌ساخت، و گاه در یک روز - علاوه بر درسهایی که خود می‌خواند - هشت جلسه تدریس داشت!

ایشان در ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدند و قریب پنج سال از جلسات علمی و درس اساتید بزرگ آن زمان مانند حضرت آیه الله العظمی بروجردی و آیات بزرگ دیگر رضوان الله علیهم بهره گرفتند.

۳. هجرت در جوانی

معظم‌له برای آشنایی با نظرات و افکار اساتید بزرگ یکی از حوزه‌های عظیم شیعه در سال ۱۳۶۹ هـ ق وارد حوزه علمیه نجف اشرف گردیدند و در آنجا در دروس اساتید عالی مقام و بزرگی همچون آیات عظام آقای حکیم و آقای خوئی و آقای سید عبدالهادی شیرازی و اساتید برجسته دیگر - قدس الله اسرارهم - شرکت جستند.

۴. رسم دیرینه حوزه

ایشان در سن ۲۴ سالگی به اخذ درجه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شدند.

۵. رجعتی پس از هجرت

معظم‌له در ماه شعبان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی به ایران بازگشت و در شهر مقدّس قم که آن روز مشتاق رجال علمی بود اقامت گزید.

۶. حوزه‌های دیگر درسی دیگر

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و سپس خارج «اصول» و «فقه» پرداختند و قریب ۵۵ سال است که حوزه گرم درس خارج ایشان مورد استقبال طلاب و فضلاست؛ بسیاری از کتب مهم فقهی را تدریس کرده و به رشته تحریر درآورده‌اند. در حال حاضر حوزه درس خارج ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس حوزه‌های علمیّه شیعه است و قریب به دو هزار نفر از طلاب و فضلا عالیقدر از محضر ایشان استفاده می‌کنند. ایشان از آغاز دوران جوانی به تألیف کتاب در رشته‌های مختلف عقاید و معارف اسلامی و مسأله ولایت و سپس تفسیر و فقه و اصول پرداختند، و یکی از مؤلفان بزرگ جهان اسلام محسوب می‌شوند.

۷. حیات سیاسی

معظم‌له در انقلاب اسلامی حضور فعال داشتند و به همین دلیل چند بار به زندان طاغوت افتادند و به سه شهر «چابهار»،

«مهاباد» و «انارک» تبعید شدند در تدوین قانون اساسی در
خبرگان اوّل نیز نقش مؤثّری داشتند.

۸. خدمات ارزندهٔ معظم له

در رژیم طاغوت احساس می‌شد که حوزهٔ علمیّهٔ قم نیازمند
یک نشریهٔ عمومی است تا بتواند با نشریات گمراه‌کننده‌ای که
بدبختانه تعداد آنها نیز کم نبود مبارزه نماید.

معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان برای انتشار نشریهٔ
ماهانهٔ «مکتب اسلام» که با کمک بزرگان حوزهٔ علمیّهٔ قم تأسیس
شده بود، همکاری نمود. این نشریه در جهان شیعه بی‌سابقه بود
و شاید از نظر وسعت انتشار - در میان مجلّات علمی و دینی -
در تمام جهان اسلام، جزء درجهٔ اوّلها بود.

از ایشان بیش از یکصد و سی جلد کتاب منتشر شده که
بعضی از آنها بیش از سی بار تجدید چاپ گردیده است.



مقدمه

دستورهای عملی اسلام، که وظیفهٔ انسانها را، نسبت به کارهایی که باید انجام دهند و یا از آن دوری جویند مشخص می‌کند، «احکام» نام دارد.

هر کاری که انسان انجام می‌دهد، در اسلام دارای حکم خاصی است، احکامی که تکلیف ما را نسبت به کارها مشخص می‌کند پنج قسم است: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مُباح. **واجب**: کاری است که انجام آن لازم می‌باشد و ترک آن عذاب دارد؛ مانند نماز، روزه و... .

حرام: کاری است که ترک آن لازم و انجامش عذاب دارد؛ مانند دروغ، ظلم و... .

مستحب: به کاری گویند که انجامش نیکوست و ثواب دارد؛ ولی ترک آن عذاب ندارد؛ مانند سلام کردن و صدقه دادن.

مکروه: کاری است که ترک آن نیکو می‌باشد و ثواب دارد؛ ولی انجامش عذاب ندارد؛ مانند فوت کردن به غذا و خوردن

غذای داغ.

مباح؛ به کاری گویند که انجام و ترک آن مساوی است، نه عذابی دارد و نه ثوابی؛ مانند راه رفتن و نشستن.



در این رساله سعی شده است احکام واجب و حرام و غیر آن، که برای غالب جوانان و نوجوانان مطرح است، به زبان ساده و روشن و دور از اصطلاحات پیچیده فقهی ذکر گردد، تا همه جوانان و نوجوانان عزیز، که امیدهای امروز و آینده اجتماع ما هستند، بتوانند با مطالعه آن به وظایف دینی خود آشنا شوند و آن را به کار بندند.

موفقیت همه این عزیزان را در انجام تکالیف دینی خود از خداوند بزرگ خواهانیم.

یادآوری

آنچه در این کتاب آمده است، تمام مسائل احکام نیست، بلکه بسیاری از قسمتهای احکام که در درجه اول نیاز نوجوانان و جوانان نبوده، در این رساله آورده نشده که در صورت نیاز می توانند به رساله توضیح المسائل مراجعه کنند.



بلوغ و نشانه‌های آن

«بلوغ» به معنای رسیدن به سنّ خاصّی است که انسان در آن سنّ آمادگی انجام کار مورد نظر را دارد. البتّه «بلوغ» در همهّ مسائل یکسان نیست؛ زیرا آمادگی برای هر کاری در سنّ و سال خاصّی حاصل می‌شود. بنابراین، سنّ بلوغ در مسائل شرعی، با حدّ بلوغ در مسائل اجتماعی، سیاسی یکی نیست، همانگونه که بلوغ جنسی با رسیدن به سنّ تصرّف در مسائل اقتصادی تفاوت دارد.

نتیجه این که هر چیزی «بلوغ» خاصّ خود را دارد، و ما نمی‌توانیم برای همه چیز یک سنّ بلوغ تعیین کنیم.

احکام تقلید

شاید برخی از خود بپرسند که در عصر و زمان ما، که بشر در همهّ زمینه‌ها ترقّی و پیشرفت خیره‌کننده‌ای داشته، و به ابزار و وسائل فوق‌العاده مدرن دست یافته، به گونه‌ای که به حق

می‌توان این عصر را «عصر تحقیق و کنکاش و علم و دانش» لقب داد، آیا با همه این امور، تقلید در عصر و زمان ما امر مطلوبی است؟

آیا تقلید به معنای بسته نمودن دروازه‌های تحقیق به روی محققان نیست؟

آیا «پیروی چشم و گوش بسته» از دیگران، با روح آیات فراوانی از قرآن مجید، که انسان را به تفکر و اندیشه و مطالعه و تحقیق دعوت می‌کند، سازگاری دارد؟

برای روشن شدن این «شُبّه» توضیح کوتاهی پیرامون اقسام تقلید لازم است:

تقلید و پیروی از دیگران از چهار صورت خارج نیست:

الف) تقلید جاهل از عالم؛ یعنی کسی که چیزی نمی‌داند از متخصص و آگاه آن فن پیروی کند، همچون مراجعه بیمار ناآگاه از مسائل پزشکی، به پزشک آگاه و دلسوز.

ب) تقلید عالم از عالمی دیگر؛ یعنی مراجعه اهل فن به یکدیگر، و پیروی بعضی از بعضی دیگر.

ج) تقلید عالم از جاهل؛ بدین معنی که یک انسان آگاه، علم و دانش خود را رها نموده، و چشم و گوش بسته به دنبال جاهلان بیفتد!

د) تقلید جاهل از جاهل؛ که گروهی نادان، پیرو گروه نادان دیگری شوند.

روشن است که از این چهار قسم، تنها قسم اول منطقی و عاقلانه و مشروع است، و نه تنها در عصر تحقیق و علم و دانش، از آن بی نیاز نیستیم، بلکه بخاطر گسترش فراوان علوم، نیاز به آن بیشتر احساس می شود. البته، سه قسم دیگر تقلید منطقی و مورد پذیرش اسلام نیست. و تقلید در احکام از قسم اول است.^(۱)

- مسألة ۱-** به مجتهدی که دیگران از او تقلید می کنند «مراجع تقلید» و به کسی که از مجتهد تقلید می کند «مقلد» می گویند.
- مسألة ۲-** کسی که مجتهد نیست و نمی تواند احکام و دستورهای الهی را از منابع آن بدست آورد، باید از مجتهد تقلید کند؛ یعنی کارهای خود را مطابق با فتوای او انجام دهد.
- مسألة ۳-** وظیفه اکثر مردم در احکام دین، تقلید است؛ چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام، اجتهاد کنند.
- مسألة ۴-** مجتهدی که انسان از او تقلید می کند باید: * عادل باشد.

۱. برگرفته شده از پیام قرآن، جلد اول، صفحه ۳۴۶.

* زنده باشد.

* مرد باشد.

* بالغ باشد.

* شیعه دوازده امامی باشد.

* و در مسایل اختلافی اعلم باشد.

مسألة ۵- کسی که از مجتهدی تقلید می‌کند، اگر مرجع تقلیدش از دنیا برود در مسایلی که به فتوای او عمل کرده می‌تواند به تقلید او باقی بماند.

مسألة ۶- اعلم کسی است که در استخراج احکام (از منابع آن) از مجتهدان دیگر استادتر باشد.

مسألة ۷- مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت:

* خود انسان یقین کند؛ مثل آن که از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

* گواهی دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند؛ به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند.

* عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

مسألة ۸- راههای بدست آوردن فتوای مجتهد:

* شنیدن از خود مجتهد.

* شنیدن از دو نفر عادل.

* شنیدن از یک نفر مورد اعتماد که از گفته او اطمینان پیدا می‌شود.

* دیدن در رساله مجتهد که درستی آن مورد اطمینان باشد.
مسئله ۹- اگر فتوای مجتهد در مسأله‌ای عوض شود، مقلد باید به فتوای جدید عمل کند و عمل کردن به فتوای قبلی جایز نیست.

مسئله ۱۰- مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.

فرق بین احتیاط مستحب و احتیاط واجب

مسئله ۱۱- «احتیاط مستحب» همیشه همراه با فتواست؛ یعنی مجتهد در آن مسأله، علاوه بر اظهار نظر، راه احتیاط را هم نشان داده است و مقلد می‌تواند در آن مسأله، به فتوا و یا به احتیاط عمل کند و نمی‌تواند به مجتهد دیگری رجوع کند؛ مانند این مسأله:

«ظرف نجس را اگر یک مرتبه در آب کُر بشویند پاک می‌شود، هر چند احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند».

«احتیاط واجب» همراه با فتوا نمی‌باشد و مقلد باید به همان

احتیاط عمل کند و می تواند به فتوای مجتهد دیگر مراجعه کند،
مانند این مسأله:

«احتیاط آن است که بر برگ درخت انگور، اگر تازه باشد،
سجده نکنند».



مقدمه

اسلام دین پاک و پاکیزه‌ای است، و پاکیزگی را دوست دارد، و به آن سفارش می‌نماید، و براساس آن احکام و قوانینش را تنظیم می‌کند. نظافت و پاکیزگی در این دین مقدّس، آنقدر ارزشمند و مهم است که در برخی روایات، به عنوان بخشی از ایمان از آن یاد شده است^(۱)؛ یعنی مسلمانی که طهارت و نجاست و نظافت را رعایت نمی‌کند ایمانش کامل نیست.

این دین پاک و مبرّی از هرگونه تحریف و پیرایه، هم دستوراتی در زمینه نظافت فردی دارد، و هم سفارش به نظافت اجتماعی می‌کند. عمل کردن به این دستورات، مخصوصاً در عصر و زمان ما، لازم و ضروری است.

طهارت و پاکی بدن و محیط زندگی، در اسلام دارای اهمّیت بسیاری است. انسان باید از خوردن و آشامیدن چیزهای نجس

۱. بحارالانوار، ج ۵۹، صفحه ۲۹۱.

دوری کرده و بدن و لباسش برای «نماز» که بهترین شیوه پرستش پروردگار عالم است، پاک باشد و بهتر است تمیزترین لباس را بپوشد. بنابراین شناختن چیزهای نجس و آموختن شیوه پاک کردن آنها نیز لازم است.

احکامی که در این فصل مطرح می‌شود، بخشی از مسائلی است که این دین پاک آسمانی، در این زمینه مطرح کرده است. امید است که بدان توجه، و سپس عمل کنیم.

مسألة ۱۲- در عالم همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آنچه بر اثر برخورد با اینها نجس شود.

مسألة ۱۳- چیزهای نجس عبارت است از:

۱. ادرار
۲. مدفوع
۳. منی
۴. مُردار (حیوانی که بطور طبیعی بمیرد).
۵. خون
- ۶ و ۷. سگ و خوک
۸. شراب
۹. آبجو
۱۰. کافر

۱۱. عرق شتر نجاستخوار

مسألة ۱۴- ادرار و مدفوع و خون انسان و حیوانهای حرام گوشت که خون جهنده دارند (یعنی اگر رگ آن را ببرند خون از آن به سرعت جاری می شود) نجس است.

مسألة ۱۵- ادرار و مدفوع حیوانهای حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند و ادرار و مدفوع و خون حیوانهایی که خون جهنده ندارند؛ مانند مار و ماهی، پاک است.

مسألة ۱۶- بول و فضولات حیوانهایی که گوشت آنها مکروه است، پاک می باشد؛ مانند اسب و الاغ.

مسألة ۱۷- فضله پرنندگان حرام گوشت؛ مانند کلاغ، پاک است.

احکام مُردار

مسألة ۱۸- به حیوانی که بطور طبیعی بمیرد «مُردار» گفته می شود.

مسألة ۱۹- حیوانها دو دسته اند، برخی خون جهنده دارند؛ یعنی اگر رگ آنها بریده شود، خون با فشار از آن بیرون می آید و برخی دیگر خون جهنده ندارند؛ یعنی اگر رگ آنها بریده شود، خون با فشار بیرون نمی آید.

مسألة ۲۰- مردار حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند ماهی،

پاک است.

مسألة ۲۱- اجزای بی روح مردار حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند مو و شاخ بیرونی، پاک و اجزای روح دارش؛ مانند گوشت و پوست، نجس است.

مسألة ۲۲- تمام اجزای بدن سگ و خوک؛ چه مرده و چه زنده آن نجس است.

مسألة ۲۳- انسان مرده هر چند تازه از دنیا رفته و بدنش سرد نشده باشد (بجز اجزای بی روح او؛ مانند ناخن، مو و دندان) تمام بدنش نجس می باشد.

مسألة ۲۴- هرگاه میت را غسل دهند، بدنش پاک می شود.

مسألة ۲۵- کسی که در راه خدا و برای حفظ اسلام می جنگد، اگر در میدان نبرد و معرکه درگیری کشته شود و همانجا از دنیا برود بدنش پاک است و نیاز به غسل و کفن ندارد.

احکام خون

مسألة ۲۶- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند مرغ و گوسفند، نجس است.

مسألة ۲۷- حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند مار، ماهی و پشه، خونش پاک است.

مسألة ۲۸- بنابر احتیاط واجب، از تخم مرغی که ذره ای خون

در آن است باید اجتناب کرد؛ ولی اگر خون در زرده باشد، تا پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیده تخم مرغ پاک می باشد.
مسأله ۲۹- خونی که از لای دندان (لثه) می آید، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.

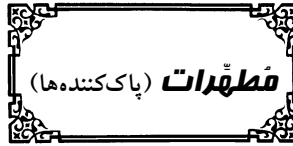
چیز پاک چگونه نجس می شود؟

مسأله ۳۰- اگر چیز پاکی به نجسی برخورد کند و یکی از آن دو به گونه ای تر باشد که رطوبتش به دیگری برسد، چیز پاک نجس می شود.

مسأله ۳۱- اگر انسان نداند چیز پاکی نجس شده است یا نه؟ پاک است. جستجو و واریسی هم لازم نیست، هر چند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را با جستجو بفهمد.

مسأله ۳۲- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.





مسألة ۳۳- مطهّرات، اشیای نجس را پاک می‌کند. عمدهٔ پاک

کننده‌ها عبارتند از:

۱. آب.
۲. زمین.
۳. آفتاب.
۴. اسلام.
۵. برطرف شدن نجاست (به شرحی که خواهد آمد).

احکام آبها

آب اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای بهتر یادگرفتن مسائل مربوط به آن، کمک می‌کند.

مسألة ۳۴- آب یا «مضاف» است یا «مطلق»:

آب مضاف: آبی است که آن را از چیزی گرفته باشند (مانند آب سیب و هندوانه) و یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که به آن «آب» گفته نشود؛ مانند شربت.

آب مطلق: آبی است که مضاف نباشد.

مسئله ۳۵- آب مضاف:

* ممکن است چیز کثیفی را تمیز کند؛ ولی هرگز چیز نجس را پاک نمی‌کند (و از مطهرات نمی‌باشد).

* اگر با نجاست برخورد کند، نجس می‌شود؛ هرچند نجاست کم باشد و بویا رنگ و یا مزه آب عوض نشود.
* وضو و غسل با آن باطل است.

اقسام آب مطلق

مسئله ۳۶- آب یا از آسمان می‌بارد که باران است.

- یا از زمین می‌جوشد، که اگر جریان داشته باشد؛ مانند آب چشمه و قنات «آب جاری» است و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» است.

یا نه می‌جوشد و نه می‌بارد که اگر به مقداری که در مسئله بعد خواهد آمد، باشد «کُر» و اگر کمتر از این مقدار باشد «قلیل» است.

مسئله ۳۷- مقدار آبی که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک حداقل $\frac{3}{5}$ و جب باشد بریزند پر شود، یا وزن آن ۳۸۴ کیلوگرم باشد، به مقدار کُر است.

مسئله ۳۸- آب قلیل به محض برخورد با نجاست، نجس می‌شود، مگر آن که با فشار به چیز نجس برسد که در این

صورت فقط قسمتی که با نجس برخورد کرده نجس می‌شود؛ مانند ظرف آبی که از بالا بر چیز نجس ریخته می‌شود، تنها آبهایی که به چیز نجس رسیده نجس می‌شود و آبهای بالا و داخل ظرف پاک است.

مسأله ۳۹- اگر آب کر یا جاری، به آب قلیل نجس متصل شود و با آن مخلوط گردد، پاک می‌گردد. (مثلاً: اگر ظرف آب قلیلی را که نجس شده، زیر شیر آبی که به منبع کر متصل می‌باشد بگذارند و آب را بر آن باز کنند پاک می‌شود) ولی اگر بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد، باید به قدری با آن مخلوط شود که بو یا رنگ یا مزه نجاست از بین برود.

مسأله ۴۰- تمام اقسام آبهای مطلق، بجز آب قلیل، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می‌شود (بنابراین، آب جاری، چاه، کُور و حتی باران در این حکم مشترکند).

مسأله ۴۱- آب لوله‌هایی که متصل به منبع کُور می‌باشد، در حکم آب کر است.

مسأله ۴۲- برخی از خصوصیات آب باران:

* اگر باران بر چیز نجسی که عینِ نجس^(۱) در آن نیست، یک بار بیارد پاک می شود.

* اگر بر فرش و لباسِ نجس بیارد فشار لازم ندارد و پاک می شود؛ به شرط این که غُسالهٔ آن (آب موجود در آن) خارج شود.

* اگر بر زمین نجس بیارد پاک می شود.
* هرگاه آب باران در جایی جمع شود، اگرچه کمتر از کُتر باشد، چنانچه چیز نجسی را در حالی که باران همچنان می بارد، در آن بشویند، تا زمانی که آن آب، بو یا رنگ یا مزهٔ نجاست نگرفته، پاک است.

چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم؟

مسألهٔ ۴۳- برای پاک کردن چیزهای نجس، ابتدا باید نجاست را برطرف کرده، سپس طوری که در مسائل آینده خواهد آمد، آن را آب کشید.

مسألهٔ ۴۴- ظرف نجس را، بعد از برطرف کردن نجاست، اگر یک مرتبه در آب کر یا آب لوله کشی بشویند کافی است؛ ولی با آب قلیل سه مرتبه باید شست.

۱- عین نجس چیزی است که خودبخود نجس است؛ مانند بول و خون.

مسأله ۴۵- ظرف نجس را می‌توان این‌گونه آب کشید:

با آب کر: یک بار آن را در آب برده و بیرون آورند.
با آب قلیل: آن را سه مرتبه پراز آب کرده و خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن ریخته و هر مرتبه آب را بطوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.

مسأله ۴۶- فرش و لباس و چیزهایی مانند آن، که آب را به خود می‌گیرد و قابل فشار دادن است، چنانچه با آب قلیل تطهیر می‌کنند، باید بعد از هر بار شستن، آن را فشار دهند تا آبهای داخل آن بیرون آید و یا به گونه‌ای دیگر آب آن گرفته شود؛ ولی در آب گُر و جاری فشار دادن لازم نیست. به شرط این که آن را طوری در آب تکان دهند که آب از آن بگذرد.

زمین

مسأله ۴۷- اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه رفتن، نجس شود، با راه رفتن یا مالیدن پا به زمین پاک می‌شود؛ به شرط آن که عین نجاست از آن محل برطرف شود.

و زمین باید:

* پاک باشد.

* خشک باشد.

* خاک، شن، سنگ، آجر فرش آسفالت و مانند اینها باشد.

مسأله ۴۸- اگر بر اثر راه رفتن یا مالیدن پا بر زمین، نجاستِ ته کفش یا کف پا بر طرف شود، پاک می‌گردد، ولی بهتر است حدّ اقل پانزده قدم راه برود.

آفتاب

مسأله ۴۹- آفتاب (با شرایطی که خواهد آمد) زمین و پشت بام را پاک می‌کند؛ ولی پاک کردن ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است، مانند در و پنجره، محلّ اشکال است.

مسأله ۵۰- آفتاب زمین و پشت بام را با این شرایط پاک می‌کند:

* چیز نجس، تر باشد، به قدری که اگر چیزی به آن برسد، تر شود.

* با تابش آفتاب، چیز نجس خشک شود، اگر مرطوب بماند، پاک نشده است.

* چیزی؛ مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آن‌که نازک باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند.

* آفتاب، به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلاً به کمک باد خشک نشود.

* هنگام تابش آفتاب، نجاست در آن نباشد، پس اگر نجاست هست، پیش از تابش آفتاب برطرف کنند.

مسأله ۵۱- اگر زمین و مانند آن نجس باشد، ولی رطوبتی نداشته باشد، می توان مقداری آب، یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن بشود، بر آن ریخت تا آفتاب بر آن بتابد و آن را پاک کند.

اسلام

مسأله ۵۲- غیرمسلمان نجس است (بنا بر احتیاط) و اگر شهادتین را بگوید، مسلمان می شود؛ یعنی بگوید:
«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»
و با اسلام، پاک می گردد.

برطرف شدن عین نجاست

مسأله ۵۳- در دو مورد، با برطرف شدن نجاست، چیز نجس پاک می شود و نیازی به آب کشیدن ندارد.
الف) بدن حیوان، مثلاً منقار مرغی که غذای نجس خورده است، هنگامی که نجاست از منقارش برطرف شود پاک است.
ب) باطن بدن، مانند داخل دهان و بینی و گوش؛ مثلاً اگر هنگام مسواک کردن، از لثه ها خون بیاید و خون برطرف شود، داخل دهان پاک است و آب کشیدن آن لازم نیست. ولی مسواک اگر با خون برخورد داشته باشد به احتیاط واجب، نجس می شود هر چند داخل دهان باشد.



بدون شک «وضو» دارای دو فایده روشن است:
«فایده بهداشتی» و «فایده اخلاقی و معنوی» از نظر بهداشتی
شستن صورت و دستها، آن هم پنج یا لااقل سه بار در شبانه روز،
اثر قابل ملاحظه‌ای در نظافت بدن دارد، مسح کردن بر سر و
پشت پاها، که شرط آن رسیدن آب به موها، یا پوست بدن است،
سبب می‌شود که این اعضا را نیز پاکیزه بداریم، ضمن این که
تماس آب با پوست بدن، اثر خاصی در تعادل اعصاب
«سمپاتیک» و «پاراسمپاتیک» دارد.

و از نظر اخلاقی و معنوی چون با قصد قربت و برای رضای
خدا انجام می‌شود، اثر تربیتی دارد؛ زیرا مفهوم کنائی وضو این
است که: «از فرق تا قدم در راه اطاعت تو گام بر می‌دارم.» در
روایتی از امام هشتم علیه السلام اشاراتی به این مطلب شده است.^(۱)
نمازگزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته و خود را برای

۱. برگرفته شده از تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۲۹۱.

انجام این عبادت بزرگ آماده کند.

در برخی از موارد هم باید «غُسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن «تیمم» انجام دهد که در این قسمت با احکام هر یک آشنا خواهید شد.

چگونه وضو بگیریم؟

مسألة ۵۴- برای انجام وضو، انسان باید ابتدا صورت و سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را بشوید، آنگاه با رطوبتی که از شستن دست بر کف آن است، سر را مسح کند؛ یعنی دست را بر آن بکشد و سپس پای راست و در آخر پای چپ را مسح نماید.

توضیح اعمال وضو

مسألة ۵۵- در وضو انسان باید ابتدا صورت را، از جایی که موی سر رویده تا آخر چانه، از بالا به پایین بشوید و برای آن که یقین کند مقدار واجب را شسته، باید کمی اطراف صورت را هم بر آن بیفزاید.

مسألة ۵۶- بعد از شستن صورت، باید دست راست و بعد از

- آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.
- مسألة ۵۷-** برای آن که یقین کند آرنج را کاملاً شسته باید کمی بالاتر از آرنج را هم بشوید.
- مسألة ۵۸-** کسی که پیش از شستن صورت، دستهای خود را تا مچ شسته، هنگام وضو باید تا سر انگشتان را بشوید، و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضویش باطل است.
- مسألة ۵۹-** جای مسح، یک قسمت از چهار قسمت سر، که بالای پیشانی است (جلوی سر) می باشد.
- مسألة ۶۰-** مسح سر، به هر مقدار کافی است.
- مسألة ۶۱-** مستحب است سر را به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت مسح کند.
- مسألة ۶۲-** لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، مگر این که موی سر به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورت بریزد، که در این صورت باید، پوست سر یا بیخ مو را مسح کند.
- مسألة ۶۳-** پس از مسح سر، باید با رطوبتی که از وضو بر کف دست باقیمانده، روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند، و احتیاط مستحب آن است که تا مفصل (جایی که متصل به ساق پا می شود) را نیز مسح کند.
- مسألة ۶۴-** در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر

دست را نگهدارد، و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.

مسألة ۶۵- اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج تر کند؛ بلکه باید از اعضای دیگر وضو؛ مثلاً صورت، رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.

مسألة ۶۶- رطوبت دست باید بقدری باشد که هنگام مسح بر سر و پا اثر بگذارد.

مسألة ۶۷- محلّ مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد؛ ولی اگر رطوبت آن بقدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست بر آن نباشد اشکالی ندارد.

مسألة ۶۸- روی کلاه یا جوراب نمی‌توان مسح کرد.

مسألة ۶۹- محلّ مسح باید پاک باشد، پس اگر نجس است و نمی‌تواند آن را آب بکشد باید تیمّم کند.

شرایط وضو

مسألة ۷۰- با بودن شرایط زیر، وضو صحیح و با نبودن حتی یکی از آنها وضو باطل است:

۱. آب وضو پاک باشد (نجس نباشد).
۲. آب وضو و فضایی که در آن وضو می‌گیرد مباح باشد (غصیی نباشد).
۳. آب وضو مطلق باشد^(۱) (مضاف نباشد).
۴. ظرف آب وضو مباح باشد (به شرحی که خواهد آمد).
۵. ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد (به شرحی که خواهد آمد).
۶. اعضای وضو پاک باشد.
۷. مانعی از رسیدن آب بر اعضای وضو نباشد.
۸. با قصد قربت و بدون ریا وضو بگیرد.
۹. رعایت ترتیب (به همان صورت که قبلاً گفته شد).
۱۰. رعایت مؤالات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد).
۱۱. در کارهای وضو از دیگری کمک نگیرد. (به شرحی که خواهد آمد).
۱۲. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.
۱۳. برای وضو گرفتن وقت داشته باشد.

توضیح شرایط وضو

مسأله ۷۱- وضو با آب نجس و مضاف باطل است؛ خواه

۱- توضیح آب مطلق در مسأله ۳۴ آمده است.

بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد.

مسألة ۷۲- آب وضو باید مباح باشد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است:

* وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست .
* آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.
* آبی که وقف افراد خاصی است، برای غیر آن افراد؛ مانند آب برخی از مدارس که وقف محصلین همان مدرسه است و وضوخانه مساجد، که وقف کسانی است که در آنجا نماز می خوانند.

مسألة ۷۳- وضو گرفتن از نهرها و چشمه ها، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه اشکال ندارد، اما اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که با آن آبها وضو نگیرد.

مسألة ۷۴- اگر آب در ظرف غصبی باشد و آب دیگری نباشد باید تیمم کرد.

مسألة ۷۵- اعضای وضو؛ یعنی صورت، دستها و پاها در موقع شستن و مسح باید پاک باشد.

مسألة ۷۶- اگر چیزی بر صورت یا دستها باشد که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، برای وضو باید برطرف شود.

مسألة ۷۷- اگر چیزی بر اعضای مسح (جلوی سر و روی پاها) باشد، هر چند از رسیدن آب جلوگیری نکند، باید بر طرف شود؛ چون بین دست و محلّ مسح نباید چیزی فاصله شود.

مسألة ۷۸- خطّ قلم خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کِرِم، در صورتی که رنگ بدونِ جرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جرم دارد و روی پوست را گرفته باشد باید بر طرف شود. ولی رنگ خودکار معمولاً مانع رسیدن آب نیست.

مسألة ۷۹- اگر می‌داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده، ولی نمی‌داند که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را بر طرف کند، یا آب را به زیر آن برساند.

مسألة ۸۰- کارهای وضو باید بدین ترتیب انجام شود: اول صورت، بعد دست راست و سپس دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح کند، و نباید پای چپ را پیش از پای راست مسح کند، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است.

مسألة ۸۱- موالات یعنی؛ پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

مسألة ۸۲- اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که مردم بگویند پشت سر هم وضو نمی‌گیرد وضوی او باطل است.

مسألة ۸۳- کسی که می‌تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید

از دیگری کمک بگیرد، پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید و یا مسح او را انجام دهد وضو باطل است؛ ولی اگر آب کف دست او بریزد و خودش صورت و دستها را بشوید مانعی ندارد.

مسألة ۸۴- کسی که نمی تواند وضو بگیرد، باید به کمک شخص دیگر وضو بگیرد، ولی خود او باید نیت وضو کند.

مسألة ۸۵- کسی که می داند اگر وضو بگیرد مریض می شود و یا می ترسد که مریض شود، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است.

مسألة ۸۶- وضو، باید به قصد قربت انجام شود، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد و لازم نیست نیت را به زبان آورد، یا از قلب خود بگذرانند، بلکه همین مقدار که می داند وضو می گیرد کافی است، بطوری که اگر از او بپرسند، چه می کنی؟ بگوید وضو می گیرم.

مسألة ۸۷- اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر بخواهد وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند، لکن اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.

احکام وضوی جبیره‌ای

چیزی که با آن زخم یا عضو شکسته را می‌بندند و دوایی که روی آن می‌گذارند «جبیره» نامیده می‌شود.

مسأله ۸۸- هرگاه در یکی از جاهای وضو زخم یا دُمَل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و خون ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد باید مطابق معمول، وضو بگیرد.

مسأله ۸۹- هرگاه زخم یا دُمَل یا شکستگی در صورت و دست‌هاست و روی آن باز می‌باشد؛ اما آب ریختن روی آن ضرر دارد، کافی است اطراف آن را بشوید، ولی اگر کشیدن دستِ تر بر آن ضرر ندارد باید دستِ تر بر خود آن نیز بکشد و اگر ضرر دارد مستحب است پارچه پاک‌ی روی آن بگذارد و دستِ تر روی آن بکشد.

مسأله ۹۰- هرگاه زخم یا دمل و شکستگی در محلّ مسح باشد چنانچه نتواند آن را مسح کند باید پارچه پاک‌ی روی آن بگذارد و روی پارچه را با رطوبت آب وضو مسح کند و بنا بر احتیاط واجب، تیمّم هم بنماید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد باید وضوی بدون مسح بگیرد و بنا بر احتیاط واجب تیمّم هم بکند.

مسأله ۹۱- هرگاه زخم یا دمل و شکستگی با پارچه یا گچ یا مانند آن بسته شده است، چنانچه باز کردن آن ضرر و مشقّت

زیادی ندارد و آب هم برای آن مضر نیست، باید آن را باز کند و وضو بگیرد، در غیر این صورت اطراف زخم یا شکستگی را بشوید و احتیاط مستحب آن است که روی جبیره را نیز مسح کند و اگر جبیره، نجس است یا نمی شود روی آن دست تر بکشد، پارچه پاک را بر آن ببندد و دست تر روی آن بکشد.

مسألة ۹۲- هرگاه جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها را گرفته باشد، باید بنا بر احتیاط هم وضوی جبیره ای بگیرد و هم تیمم کند، همچنین اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد.

مسألة ۹۳- کسی که در کف دست و انگشتهايش جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده، می تواند مسح سر و پا را با همان رطوبت انجام دهد و اگر کافی نباشد، از جاهای دیگر وضو رطوبت می گیرد.

مسألة ۹۴- هرگاه جبیره بیشتر از معمول، اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست باید به دستور جبیره عمل کند و بنا بر احتیاط مستحب، تیمم هم بنماید و اگر برداشتن جبیره اضافی ممکن است باید آن را بردارد.

مسألة ۹۵- هرگاه در جای وضو، زخم و جراحت و شکستگی وجود ندارد، اما به جهت دیگری آب برای آن ضرر دارد، باید تیمم کند، ولی اگر فقط برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد، چنانچه اطراف آن را بشوید کافی است و

احتیاط آن است که تیمّم هم بکند.

مسأله ۹۶- اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده که برداشتن آن ممکن نیست، یا بسیار مشقّت دارد باید به دستور جبیره عمل کند، یعنی اطراف آن را بشوید و روی آن را دست بکشد.

مسأله ۹۷- غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است، ولی تا ممکن است باید غسل را ترتیبی بجا آورد، بنا بر احتیاط واجب.

مسأله ۹۸- کسی که وظیفه او تیمّم است، هرگاه در اعضای تیمّم او زخم، یا دُمَل، یا شکستگی باشد باید مطابق دستور وضوی جبیره‌ای تیمّم جبیره‌ای کند.

مسأله ۹۹- کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره‌ای است، چنانچه می‌داند تا آخر وقت عذر او برطرف نمی‌شود می‌تواند در اوّل وقت نماز بخواند، اما اگر امید دارد که تا آخر وقت عذر او برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کند.

مسأله ۱۰۰- اگر بخاطر درد چشم شستن صورت ضرر دارد باید تیمّم کند و اگر می‌تواند اطراف چشم و بقیه صورت را بشوید کافی است.

مسأله ۱۰۱- نمازهایی را که با وضو یا غسل جبیره‌ای می‌خوانند اعاده ندارد، مگر این که قبل از پایان وقت نماز، عذر

بر طرف شود، در اینجا بنا بر احتیاط واجب، نماز را اعاده کنند.

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

مسأله ۱۰۲- انسان باید برای نماز (بجز نماز میّت) و برای طواف کعبه و برای تماس بدن با نوشته قرآن و اسم خداوند وضو بگیرد.

مسأله ۱۰۳- اگر نماز یا طواف، بدون وضو انجام شود باطل است.

مسأله ۱۰۴- کسی که وضو ندارد نباید جایی از بدن خود را به این نوشته‌ها برساند:

* خطّ قرآن، ولی ترجمه آن اشکال ندارد.

* اسم خداوند به هر زبانی که نوشته شده باشد، مانند «الله»، «خدا»، «god».

* نام پیامبر اکرم ﷺ و اسامی امامان علیهم السلام و نام حضرت زهرا علیها السلام اگر بی احترامی به آنها باشد.

مسأله ۱۰۵- برای این کارها وضو گرفتن مستحب است:

* رفتن به مسجد و حرم امامان علیهم السلام

* خواندن قرآن.

* همراه داشتن قرآن.

* تماس بدن با جلد یا حاشیه قرآن.

* زیارت اهل قبور.

چگونه وضو باطل می‌شود؟

مسأله ۱۰۶- اگر یکی از امور زیر از انسان سر بزند وضو باطل

می‌شود:

* خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد معده و روده از انسان.

* خواب؛ چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند.

* چیزهایی که عقل را از بین می‌برد؛ مانند دیوانگی، مستی،

بیهوشی. (بنا بر احتیاط واجب).

* استحاضه زنان.^(۱)

* آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مسّ میّت و مانند

آن.

۱- برای توضیح بیشتر به مسأله ۱۳۶ مراجعه کنند.



گاهی برای نماز و سایر کارهایی که باید با وضو انجام داد، غسل واجب می‌شود.

شیوه غسل کردن

مسئله ۱۰۷- در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت، و یا مستحب، مانند غسل جمعه. به عبارت دیگر: تمام غسلها در عمل فرقی ندارند مگر در نیت.

مسئله ۱۰۸- غسل رابه دو صورت می‌توان انجام داد: «ترتیبی» و «ارتماسی».

در غسل ترتیبی، ابتدا سر و گردن شسته می‌شود، سپس نیمه راست بدن و بعد از آن نیمه چپ بدن.

در غسل ارتماسی، تمام بدن یکباره در آب قرار می‌گیرد. پس برای انجام غسل ارتماسی باید آب قدری باشد که انسان بتواند تمام بدن را یکجا در آب فرو ببرد.

شرایط صحیح بودن غسل

مسئله ۱۰۹- تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد،^(۱) در صحیح بودن غسل هم شرط است، بجز موالات. و همچنین لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید.

مسئله ۱۱۰- اگر در بین غسل، بول (ادرار) کند ضرری به غسل او نمی‌زند، ولی برای نماز و مانند آن باید وضو بگیرد.

مسئله ۱۱۱- کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل بجا آورد. و اگر تنها یکی از آنها بخاطرش باشد و برای آن غسل کند بقیه از او ساقط می‌شود هر چند نیت نکرده باشد.

مسئله ۱۱۲- هر غسل واجب و مستحب، کفایت از وضو می‌کند ولی احتیاط مستحب آن است که در غیر غسل جنابت وضو بگیرد.

مسئله ۱۱۳- در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، بنابراین اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادن همان قسمت، آب بکشد کافی است.

مسئله ۱۱۴- غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است.^(۲)

۱- شرایط وضو در مسئله ۷۰ گذشت.

۲- احکام وضوی جبیره‌ای در مسئله گذشت.

مسأله ۱۱۵- کسی که روزه واجب گرفته، نمی تواند در حال روزه غسل ارتماسی انجام دهد، چون روزه دار نباید تمام سر را در آب فرو برد. ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند. صحیح است.

مسأله ۱۱۶- در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود، و چنانچه با نیت غسل، هر طور آب را به تمام بدن برساند کافی است.

مسأله ۱۱۷- کسی که زیادتراز معمول در حمام آب می ریزد، غسل او اشکال دارد.

مسأله ۱۱۸- هرگاه کسی جنب شده و نماز خوانده است، اگر بعداً شک کند که غسل کرده یا نه، آن نماز صحیح است ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند.

مسأله ۱۱۹- با هر غسلی می توان نماز خواند و وضو واجب نیست خواه جنابت باشد یا غیر آن، واجب باشد یا مستحب ولی احتیاط مستحب آن است که در غیر غسل جنابت وضو بگیرد.

احکام غسل

غسلهای واجب

مسأله ۱۲۰- غسلهای واجب:

* جنابت * میّت * مسّ میّت * حیض * استحاضه

* نفاس * و غسل مستحبی که به سبب نذر واجب می شود.

غسل جنابت

مسألة ۱۲۱- اگر از انسان منی^(۱) بیرون آید، هر چند در خواب باشد، جُنُب می شود و باید برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل جنابت انجام دهد.

مسألة ۱۲۲- اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید، سبب جنابت نمی شود.

مسألة ۱۲۳- کسی که می داند منی از او خارج شده است و یا می داند آنچه بیرون آمده منی می باشد، جنب است و باید غسل کند.

مسألة ۱۲۴- اگر از مرد رطوبتی خارج شود که نداند ادرار است یا منی یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده، آن رطوبت منی است، ولی اگر تمام این نشانه‌ها یا برخی از آنها وجود نداشته باشد آن رطوبت منی نمی باشد، ولی نسبت به مریض وجود یک نشانه؛ یعنی بیرون آمدن در اوج شهوت، کافی است.

مسألة ۱۲۵- غالباً بعد از بیرون آمدن منی بدن سست می شود

۱- منی = مایعی است که از غدد تناسلی به سبب آمیزش یا احتلام از مجرای بول خارج می شود.

ولی این موضوع جزء شرایط قطعی و نشانه‌های آن نیست.
مسئله ۱۲۶- مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند و اگر ادرار نکند و بعد از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا رطوبتِ دیگر، دوباره باید غسل کند.

کارهایی که بر جنب حرام است

مسئله ۱۲۷- چند کار بر جنب حرام است:
(الف) رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب اسامی پیامبران و امامان علیهم‌السلام.
(ب) رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هر چند از یک در وارد شود و از در دیگر بیرون رود.
(ج) توقّف در سایر مساجد و حرم امامان علیهم‌السلام؛ ولی اگر از یک در برود و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد؛ اما هنگامی که جنب غسل کند و یا در صورت عدم توانایی بر غسل، تیمّم کند، تمام این امور بر او حلال می‌شود.
(د) خواندن آیه‌های سجده واجب که در چهار سوره قرآن آمده است: سوره‌های سجده، فُصِّلَتْ، نَجْم و عَلَق.

مسئله ۱۲۸- اگر شخصی در خانه‌اش مکانی را برای نماز قرار دهد (و همچنین در مؤسسه یا اداره‌ای) حکم مسجد ندارد.

مسئله ۱۲۹- توقّف در حرم امامزاده‌ها مثل حرم حضرت

معصومه عليها السلام در حال جنابت اشکال ندارد؛ ولی توقّف در مساجدی که کنار حرم‌ها ساخته‌اند، حرام است.

غسل میّت

مسأله ۱۳۰- هرگاه مسلمانی از دنیا برود، باید او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند، سپس دفن کنند.^(۱)

غسل مسّ میّت

مسأله ۱۳۱- اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مسّ میّت کند.

مسأله ۱۳۲- غسل مسّ میّت مثل غسل جنابت است و کفایت از وضو نیز می‌کند هر چند احتیاط مستحب آن است که وضو بگیرد.

غسلهای اختصاصی دخترها و بانوان

مسأله ۱۳۳- سه غسل از غسلهای واجب؛ یعنی غسل حیض، استحاضه و نفاس، تنها بر دخترها و بانوان واجب می‌شود و

۱- برای آشنایی با احکام اموات می‌توانید به رساله توضیح المسائل، مسأله ۵۰۷ به بعد مراجعه کنید.

سبب این غسلها خونی است که از رحم بیرون می‌آید و هر یک احکام خاصی دارد.

غسل حیض (قاعدگی)

مسئله ۱۳۴- خون حیض معمولاً غلیظ، گرم و پیرنگ است و با فشار و کمی سوزش می‌آید.

مسئله ۱۳۵- زمانی که خونریزی قاعدگی (پریود) قطع شود، زن باید برای نماز و سایر کارهایی که نیاز به طهارت دارد غسل کند.

مسئله ۱۳۶- خونریزی قاعدگی قبل از بلوغ اتفاق نمی‌افتد.

مسئله ۱۳۷- دوره قاعدگی کمتر از سه روز مستمر نیست، پس اگر جریان خون قبل از سه روز قطع شود حکم حیض را ندارد.

مسئله ۱۳۸- دوره قاعدگی بیش از ده روز طول نمی‌کشد و چنانچه خونریزی بیش از ده روز طول بکشد، پس از ده روز حکم حیض را ندارد.

مسئله ۱۳۹- در مدت قاعدگی این کارها بر زن حرام است.

● نماز.

● طواف کعبه.

● کارهایی که بر جنب حرام است، مانند توقّف در مسجد^(۱)

۱- برخی از کارهای دیگر نیز حرام است که برای آشنایی با آنها می‌توانید به رساله

مسأله ۱۴۰- در ایام قاعدگی نماز و روزه بر زن واجب نیست و نمازها قضا ندارد؛ ولی قضای روزه‌ها را باید بجا آورد.

مسأله ۱۴۱- غسل حیض با جنابت فرقی ندارد؛ مگر در نیت.

مسأله ۱۴۲- با پایان یافتن دوره خون‌ریزی با غسل حیض به تنهایی می‌توان نماز خواند، و احتیاج به وضو نیست.

غسل استحاضه

یکی دیگر از خون‌هایی که گاهی اوقات از رحم بیرون می‌آید «استحاضه» است.

مسأله ۱۴۳- خون استحاضه معمولاً زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید و غلیظ نیست، ولی گاهی ممکن است شباهتی با خون حیض داشته باشد.

غسل نفاس

مسأله ۱۴۴- غسل نفاس مربوط به ولادت فرزند است و در زمان دیگری دیده نمی‌شود که زن پس از خون‌ریزی زایمان باید آن را انجام دهد.



توضیح المسائل، مسأله ۴۳۸ مراجعه کنید، همچنین کارهایی که بر جنب حرام است در مسأله ۱۲۲ همین رساله گذشت.



مسأله ۱۴۵- در چند مورد باید به جای وضو و غسل تیمم کرد:

* دسترسی به آب نداشته باشد.

* آب برای انسان ضرر داشته باشد؛ مثلاً به سبب استعمال آب بیماری در او پیدا می شود یا بیماریش شدت می یابد و یا دیر خوب می شود.

* اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خودش یا همسر او یا فرزندانش یا رفیقش و یا کسانی که به او مربوطند از تشنگی هلاک می شوند یا بیمار می شوند، یا به قدری تشنه می شوند که تحمل آن سخت است (حتی حیوانی که در اختیار اوست نیز همین حکم را دارد).

* بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر و آب کشیدن آن ندارد، و لباس دیگری نیز ندارد.

* وقت به قدری تنگ است، که اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن، بعد از وقت خوانده می شود.

دستور تیمم

مسألة ۱۴۶- در تیمم پنج چیز واجب است:

۱. نیت
۲. زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.
۳. کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا روی ابروها و بالای بینی.
۴. کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.
۵. کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ (انگشتان هم جزء کف دست می‌باشند).

مسألة ۱۴۷- برای آن‌که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید کمی بالاتر از میچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

مسألة ۱۴۸- انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر مانع دیگری نیز در پیشانی یا دستها وجود دارد برطرف کند.

مسألة ۱۴۹- تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت خداوند انجام شود، و همچنین باید معلوم کند که تیمم بجای وضو است یا غسل، و این همان نیت تیمم است.

چیزهایی که تیمّم بر آنها صحیح است

مسأله ۱۵۰- تیمّم بر خاک، ریگ، کلوخ و سنگ، صحیح است، به شرط اینکه پاک باشد و غصبی نباشد.

احکام تیمّم

مسأله ۱۵۱- تیمّمی که بجای وضو است با تیمّمی که به جای غسل است فرقی ندارد. ولی بهتر است در تیمّم به جای غسل یک بار دیگر دستها را به زمین بزند و فقط پشت دستها را مسح کند.

مسأله ۱۵۲- کسی که بجای وضو تیمّم کرده است، اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند از او سر بزند تیمّمش باطل می‌شود.

مسأله ۱۵۳- کسی که به جای غسل، تیمّم کرده، هرگاه یکی از چیزهایی که غسل را باطل می‌کند، پیش آید تیمّمش باطل می‌شود؛ مثلاً اگر به جای غسل جنابت تیمّم کرده اگر دوباره جنب شود تیمّمش باطل می‌شود.

مسأله ۱۵۴- تیمّم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند؛ بنابراین اگر بدون عذر تیمّم کند، صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود؛ مثلاً آب نداشته، و آب پیدا کند، تیمّم او باطل می‌شود.

مسألة ۱۵۵- اگر به جای غسلهای واجب تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد.

۴۰۴



مقدمه

نماز رابطه انسان با خدا و مایه صفای روح و پاکی دل و پیدایش روح تقوی و تربیت انسان و پرهیز از گناهان است. نماز مهمترین عبادت است که اگر قبول درگاه خداوند بزرگ شود، عبادتهای دیگر نیز قبول می‌گردد و اگر نماز پذیرفته نشود، اعمال دیگر نیز ارزش نخواهد داشت. همان‌طور که اگر انسان، در شبانه‌روز پنج نوبت، خود را در نهر آبی شستشو کند، هیچ‌گونه آلودگی در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنجگانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند و غبار معصیت را از دلها می‌شوید. در آیات قرآن مجید و روایات اسلامی و وصایا و سفارشهای پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام از مهمترین کارهایی که روی آن تأکید شده نماز است. بدین جهت ترک نماز از بزرگترین گناهان کبیره محسوب می‌شود. سزاوار است انسان نماز را اول وقت بخواند، و به آن اهمیّت

بسیار دهد، و از تند خواندن نماز، که ممکن است مایه خرابی آن گردد، جداً بپرهیزد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که به نماز اهمّیت ندهد و آن را سبک شمارد، سزاوار عذاب آخرت است». روح نماز «حضور قلب» است، بنابراین باید عوامل حضور قلب را در خود تقویت کند، مثل این که معانی کلمات نماز را بفهمد، و در حال نماز به آن توجه داشته باشد، و با حال خضوع و خشوع نماز را انجام دهد، بداند با چه کسی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خدا بسیار کوچک ببیند. سزاوار است نمازگزار کارهایی که ثواب نماز را کم می کند بجا نیاورد؛ مثلاً با حالت خواب آلودگی نماز نخواند و در نماز به آسمان نگاه نکند. در برابر منظره هایی که جلب توجه می کند به نماز نایستد، بلکه کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند بجا آورد؛ مثلاً لباس پاکیزه بپوشد، خود را خوشبو کند، دندانهایش را مسواک بزند و موهایش را شانه کند.

اقسام نماز

برای آشنایی با مسائل و احکام نماز، ابتدا یادآور می شویم که نماز یا واجب است و یا مستحب. نمازهای واجب هم دو دسته اند؛ برخی از آنها تکلیف هر روزه می باشد که باید در هر شبانه روز و در زمانهای خاصی بجا آورده شود و برخی دیگر

نمازهایی هستند که گاهی اوقات به سببی خاص واجب می شود و برنامه همیشگی و هر روزه نیست.

وقت نمازهای روزانه

مسأله ۱۵۶- نمازهای هر روزه، پنج نماز و مجموع آنها هفده رکعت است.

نماز صبح: دو رکعت

نماز ظهر: چهار رکعت

نماز عصر: چهار رکعت

نماز مغرب: سه رکعت

نماز عشا: چهار رکعت

مسأله ۱۵۷- وقت نماز صبح از اذان صبح تا طلوع آفتاب است که در این مدّت باید خوانده شود و هرچه به اذان صبح نزدیکتر باشد بهتر است.

وقت نماز ظهر و عصر از ظهر شرعی تا غروب است، و به اندازه خواندن یک نماز چهار رکعتی از اوّل وقت، مخصوص نماز ظهر و به همین مقدار که به غروب مانده مخصوص نماز عصر است.

وقت نماز مغرب و عشا از مغرب تا نصف شب است و به اندازه خواندن یک نماز سه رکعتی از اوّل وقت، مخصوص نماز

مغرب و به اندازه یک نماز چهار رکعتی که به نصف شب مانده است مخصوص نماز عشا می باشد. و احتیاط آن است که اگر از نصف شب بگذرد نیّت ما فی الذمه کند (یعنی آنچه خدا به او دستور داده، خواه ادا باشد یا قضا).

وقت اذان صبح

مسأله ۱۵۸- نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سپیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجر اوّل» گویند، هنگامی که آن سپیده، شفاف و پهن شد، «فجر دوّم» و ابتدای وقت نماز صبح است.

ظهر

مسأله ۱۵۹- اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، صبح که خورشید طلوع می‌کند، سایه آن به طرف مغرب می‌افتد و هرچه آفتاب بالا می‌آید سایه کم می‌شود، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت، «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است.^(۱) (و به عبارت دیگر خورشید از روی نقطه جنوب بگذرد).

۱- در برخی از شهرها، از جمله مکه، گاهی اوقات موقع ظهر، سایه از بین می‌رود، در این اماکن بعد از آن که سایه دوباره پیدا شد، معلوم می‌شود ظهر شده است.

مغرب

مسألة ۱۶۰- «مغرب» موقعی است که آفتاب غروب کند و احتیاط آن است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بالای سر بگذرد.

نیمه شب

مسألة ۱۶۱- برای محاسبه نیمه شب، که پایان وقت نماز عشا به دست می آید، احتیاط واجب آن است که فاصله بین غروب آفتاب تا اذان صبح را نصف کنیم.^(۱)

احکام وقت نماز

مسألة ۱۶۲- نمازهای غیر روزانه دارای وقت مشخصی نمی باشد، و بستگی به زمانی دارد که به علتی آن نماز واجب شود؛ مثلاً نماز آیات بستگی به زلزله یا کسوف یا خسوف و یا حادثه ای دارد که پیش آمده است و نماز میّت، زمانی واجب می شود که مسلمانی از دنیا برود.

مسألة ۱۶۳- اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود و یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند، نماز باطل است.
[اگر نماز در وقت خودش خوانده می شود، در اصطلاح

۱- تقریباً یازده ساعت و ربع که از ظهر شرعی بگذرد آخر وقت نماز مغرب و عشا است؛ مثلاً اگر ظهر شرعی ساعت ۱۲/۱۵ دقیقه باشد، نیمه شب ساعت ۱۱/۳۰ دقیقه است.

احکام گویند: نماز «ادا» است و اگر نماز بعد از گذشتن وقت خوانده شود، در اصطلاح گویند: نماز «قضا» شده است. [

مسألة ۱۶۴- انسان باید نماز را در وقت معین آن بخواند و اگر عمداً در آن وقت نخواند، گناهکار است.

مسألة ۱۶۵- مستحب است انسان نماز را در اوّل وقت بخواند، و هرچه به اوّل وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

مسألة ۱۶۶- اگر وقت نماز تنگ باشد به گونه‌ای که اگر بخواهد مستحبات نماز را بجا آورد، بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود باید مستحبات را بجا نیاورد، مثلاً اگر بخواهد قنوت بخواند، وقت می‌گذرد، باید قنوت را نخواند.

مسألة ۱۶۷- انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است. ولی اگر سهواً باشد مانعی ندارد.

قبله

مسألة ۱۶۸- خانه کعبه، که در شهر مکه و در مسجد الحرام قرار دارد، «قبله» ما مسلمانهاست و نمازگزار باید رو به آن نماز

بخواند.

مسأله ۱۶۹- کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند، کافی است. قبله را می توان به وسیله قبله نما یا قبله مساجد یا قبور مسلمانان تشخیص داد.

پوشانیدن بدن در نماز

مسأله ۱۷۰- پسران و مردان در نماز، باید عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو پوشانده شود.

مسأله ۱۷۱- احتیاط آن است که مرد لباس مخصوص زنان و زن لباس مخصوص مردان را نپوشد، ولی نماز با آن اشکار ندارد.

مسأله ۱۷۲- دختران و زنان؛ باید تمام بدن را بپوشانند؛ ولی پوشاندن دستها و پاها تا میچ و صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود، لازم نیست، گرچه پوشاندن آن نیز اشکال ندارد.

مسأله ۱۷۳- لباس نمازگزار باید این شرایط را داشته باشد:

* پاک باشد. (نجس نباشد)

* مباح باشد. (غصبی نباشد)

* از اجزای مردار نباشد؛ حتی کمر بند و کلاه، ولی اگر آن را

سر بریده باشند، هرچند مطابق دستور اسلام نباشد، پاک است و می‌توان در آن نماز خواند.

* از حیوان حرام‌گوشت نباشد، مثلاً از پوست پلنگ یا روباه تهیه نشده باشد.

* اگر نمازگزار مرد است لباس او طلاباف یا ابریشم خالص نباشد.

مسئله ۱۷۴- علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.

مسئله ۱۷۵- اگر انسان بداند بدن یا لباسش نجس است ولی هنگام نماز فراموش کند و با آن نماز بخواند نمازش باطل است.

مسئله ۱۷۶- در موارد زیر اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است:

* نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود.

* به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن لباس هم دشوار است.

* لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده است؛ ولی مقدار آلودگی کمتر از دَرَهَم [تقریباً به اندازه یک بند انگشت] است.^(۱)

* ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، مثلاً آب

۱- این مسئله چند استثنا دارد که برای آشنایی می‌توانید به رساله توضیح المسائل ما، مسئله ۷۸۱ مراجعه کنید.

برای آب کشیدن آن ندارد و لباس پاک هم ندارد.

مسأله ۱۷۷- اگر لباسهای کوچک نمازگزار؛ مثل دستکش و جوراب، نجس باشد، و یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزای مردار یا حرام‌گوشت نباشد اشکال ندارد.

مسأله ۱۷۸- پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباسها و خوشبو کردن خود و دست کردن انگشتری عقیق در نماز، مستحب است.

مسأله ۱۷۹- پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه‌های لباس در نماز مکروه است. بهتر است در غیر نماز هم از آن پرهیز شود، مگر پوشیدن لباس مشکی در عزای معصومین علیهم‌السلام یا بستگان.

مکان نمازگزار

مسأله ۱۸۰- مکانی که انسان بر آن نماز می‌خواند باید دارای شرایط زیر باشد:

- * مباح باشد (غصبی نباشد).
- * بی حرکت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد؛ ولی در قطار و هواپیما که انسان بتواند تعادل خود را حفظ کند و سمت قبله را مراعات نماید نماز خواندن مانعی ندارد).

* جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را بطور صحیح انجام دهد.

* جایی که پیشانی را می‌گذارد (در حال سجده) پاک باشد.

* مکان نمازگزار اگر نجس است، تر نباشد که به بدن یا لباس وی سرایت کند، و اگر خشک باشد، مانعی ندارد.

* جایی که پیشانی را به سجده می‌گذارد، از جای قدمهای او، بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد؛ ولی اگر شیب زمین کم باشد، اشکال ندارد.^(۱)

احکام مکان نمازگزار

مسألة ۱۸۱- در حال ناچاری نماز خواندن بر چیزی که حرکت می‌کند، مانند اتومبیل و در جایی که سقف آن کوتاه است و یا جایش تنگ است، مانند سنگر، اشکال ندارد.

مسألة ۱۸۲- باید در نماز، زن عقب‌تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای سجده مرد کمی عقب‌تر باشد و گرنه نماز باطل است. در این حکم محرم و غیر محرم تفاوتی ندارند، ولی اگر میدان مرد و زن دیوار یا پرده و مانند آن باشد یا به اندازه ده زراع (تقریباً ۵ متر) فاصله باشد، اشکال ندارد.

۱- در رساله توضیح المسائل، شرایط دیگری نیز آمده است که برای آشنایی بیشتر می‌توانید به مسأله ۷۹۲ به بعد مراجعه کنید.

مسأله ۱۸۳- اگر زن در کنار مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند نماز هر دو باطل است اما اگر یکی قبلاً وارد نماز شده، نماز او صحیح و نماز دومی باطل است.

مسأله ۱۸۴- انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام نماز نخواند، و اگر موجب هتک احترام شود، نماز باطل است.

مسأله ۱۸۵- مستحب است، انسان نمازهای واجب را در مسجد بخواند، و در اسلام بر این مسأله سفارش بسیار شده است.

احکام مسجد

مسأله ۱۸۶- کسی که در مسجد نشسته اگر دیگری جای او را غصب کند و در آن نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را اعاده کند.

مسأله ۱۸۷- در اسلام به مسجد اهمّیت زیادی داده شده است زیرا:

- * زیاد رفتن به مسجد برای عبادت مستحب است.
- * رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است.
- * همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.
- * مستحب است، انسان با کسی که در مسجد حاضر

نمی‌شود، غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

مسأله ۱۸۸- این کارها در رابطه با مسجد، حرام است:

* زینت کردن مسجد با طلا.

* خرید و فروش مسجد، هر چند خراب شده باشد.

* نجس کردن مسجد، و چنانچه نجس شود باید فوراً تطهیر کنند.

* بردن خاک و ریگ از مسجد به جای دیگر، مگر خاکهای زیادی، مانند خاکروبه.

مسأله ۱۸۹- این کارها در رابطه با مسجد، مستحب است:

* زودتر به مسجد رفتن.

* چراغ مسجد را روشن کردن.

* تمیز کردن مسجد.

* هنگام وارد شدن، ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن که نشانه احترام به مسجد است.

* هنگام بیرون آمدن از مسجد اول پای چپ را بیرون گذاشتن.

* خواندن دو رکعت نماز مستحبی به عنوان تحیت مسجد.

* خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباسهای خود برای رفتن به مسجد.

مسأله ۱۹۰- این کارها در رابطه با مسجد، مکروه است:

- * عبور از مسجد به عنوان محل عبور.
- * انداختن آب دهان و بینی در مسجد.
- * خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری.
- * صدا را بلند کردن، مگر برای اذان.
- * خرید و فروش در مسجد.
- * سخن گفتن از امور دنیا.
- * رفتن به مسجد برای کسی که سیر یا پیاز خورده و بوی دهانش مردم را آزار می دهد.

آمادگی برای نماز

اکنون، پس از فراگرفتن مسائل وضو، غسل، تیمم، وقت نماز، پوشش و مکان نمازگزار آماده شروع نماز می شویم:

اذان و اقامه

مسأله ۱۹۱- مستحب است، نمازگزار قبل از نمازهای یومیّه، ابتدا اذان بگوید و بعد از آن اقامه، و سپس نماز را شروع کند.

اذان

۴ مرتبه

اللَّهُ أَكْبَرُ

۲ مرتبه

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

۲ مرتبه	أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
۲ مرتبه	حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ
۲ مرتبه	حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ
۲ مرتبه	حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
۲ مرتبه	اللَّهُ أَكْبَرُ
۲ مرتبه	لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

اقامه

۲ مرتبه	اللَّهُ أَكْبَرُ
۲ مرتبه	أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
۲ مرتبه	أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
۲ مرتبه	حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ
۲ مرتبه	حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ
۲ مرتبه	حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
۲ مرتبه	قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
۲ مرتبه	اللَّهُ أَكْبَرُ
۱ مرتبه	لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

مسأله ۱۹۲- جمله «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» جزء اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» به قصد قربت و تبرک گفته شود.

احکام اذان و اقامه

مسأله ۱۹۳- اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگوید باطل است.

مسأله ۱۹۴- اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر آن را قبل از اذان بگوید صحیح نیست.

مسأله ۱۹۵- بین جمله‌های اذان و اقامه نباید، زیاد فاصله شود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.

مسأله ۱۹۶- اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای خود اذان و اقامه بگوید.

مسأله ۱۹۷- اگر انسان برای خواندن نماز جماعت به مسجد برود و ببیند نماز جماعت تمام شده و برای نماز جماعت اذان و اقامه گفته شده باشد، تا وقتی که صفها بهم نخورده و جمعیت متفرق نشده است، بنابر احتیاط واجب نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

مسأله ۱۹۸- نماز مستحبی اذان و اقامه ندارد، همچنین نمازهای واجب دیگر غیر از نماز یومیّه.

اعمال نماز

مسأله ۱۹۹- نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» شروع می‌شود و با سلام به پایان می‌رسد.

مسأله ۲۰۰- آنچه در نماز انجام می‌شود یا واجب است و یا مستحب.

مسأله ۲۰۱- واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رُکن و برخی غیر رُکن است.

واجبات نماز

نیت؛ تکبیرة الاحرام؛ قیام (ایستادن هنگام تکبیرة الاحرام و قیام متصل به رکوع، یعنی ایستادن پیش از رکوع)؛ رکوع؛ سجود؛ قرائت؛ ذکر؛ تشهد؛ سلام؛ ترتیب و موالات.

رکنهای نماز

نیت؛ تکبیرة الاحرام؛ قیام؛ رکوع؛ سجود.

فرق بین رُکن و غیر رُکن

مسأله ۲۰۲- ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می‌آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود و یا اضافه شود، هرچند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است. واجبات دیگر، گرچه انجام آنها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی، کم یا زیاد شود نماز باطل نیست. ولی اگر عمداً ترک شود، یا زیاد شود نماز

باطل است.

احکام واجبات نماز

● نیت

مسألة ۲۰۳- نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و باید آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.

مسألة ۲۰۴- به زبان آوردن نیت در نماز و سایر عبادات، لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد.

مسألة ۲۰۵- نماز، باید از هر گونه ریا و خودنمایی به دور باشد، یعنی نماز را تنها برای انجام فرمان خداوند بجا آورد و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن، برای غیر خدا باشد، باطل است. همچنین اگر قصد او خدا و ریا هر دو باشد باز هم باطل است.

● تکبیرة الإحرام

مسألة ۲۰۶- همانگونه که گذشت نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» آغاز می‌شود و به آن «تکبیرة الإحرام» می‌گویند (چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بوده، بر نمازگزار حرام می‌شود، مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن و سخن گفتن).

مسألة ۲۰۷- «اللَّهُ أَكْبَرُ» مانند سایر ذکرهای نماز و حمد و سوره

باید به عربی صحیح گفته شود و عربی غلط یا ترجمه آن کافی نیست.

مسألة ۲۰۸- مستحب است نمازگزار موقع گفتن تکبیرة الاحرام و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد (کف دستها رو به قبله باشد).

● قیام

مسألة ۲۰۹- قیام؛ یعنی ایستادن. نمازگزار باید تکبیرة الاحرام و قرائت را در حال قیام و آرامش بدن بخواند.

مسألة ۲۱۰- اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید برخیزد و بایستد سپس به رکوع برود و پس از آن سجده‌ها را بجا آورد (این همان قیام متصل به رکوع است).

مسألة ۲۱۱- نمازگزار باید موقع ایستادن هر دو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا مساوی باشد.

مسألة ۲۱۲- در موقع قیام نباید بدن و پاها را حرکت دهد و به طرفی خم شود یا به جایی تکیه کند، ولی اگر از روی ناچاری باشد، مانعی ندارد.

مسألة ۲۱۳- اگر پاها را بیش از اندازه گشاد بگذارد بطوری که از شکل ایستادن بیرون رود نمازش باطل است، مگر اینکه

ناچار باشد.

مسأله ۲۱۴- کسی که به هیچ وجه حتی با تکیه کردن بر عصا یا دیوار نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته، رو به قبله نماز بخواند، و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند. نخست به طرف راست رو به قبله و اگر نمی تواند روی طرف چپ و اگر نمی تواند به پشت بخوابد و صورت و سینه رو به آسمان و پاها رو به قبله باشد.

مسأله ۲۱۵- واجب است بعد از رکوع بطور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام از روی عمد ترک شود نماز باطل است.

● قرائت

مسأله ۲۱۶- در رکعت اول و دوم نمازهای روزانه، انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره کامل قرآن (مثلاً سوره توحید) را بخواند:

● سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ *
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ *

● سوره توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ* اللَّهُ الصَّمَدُ* لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ* وَمَا يَكُنْ لَهُ
 كُفُوًا أَحَدٌ*

و در رکعت سوم و چهارم نماز، باید فقط سوره حمد، یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند کافی است.

● تسبیحات اربعه

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» است
 مسأله ۲۱۷- در تنگی وقت یا در جایی که ترس از دزد یا درنده‌ای باشد می‌توان سوره را ترک کرد و همچنین در جایی که عجله برای کار مهمی داشته باشد.

مسأله ۲۱۸- مستحب است در رکعت اول نماز پیش از خواندن حمد بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و نیز مستحب است حمد و سوره و ذکرهای نماز را شمرده بخواند و آیات را به هم نچسباند و مخصوصاً به معنای آنها توجه داشته باشد.

مسأله ۲۱۹- شایسته است در نمازها در رکعت اول سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و در رکعت دوم سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند و هیچ سوره‌ای را در هر دو رکعت تکرار نکند مگر سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ»

و سزاوار نیست در تمام نمازهای شبانه روز سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را ترک کند.

احکام قرائت

مسأله ۲۲۰- در رکعت سوم و چهارم نماز باید حمد یا تسبیحات، آهسته خوانده شود.

مسأله ۲۲۱- در نماز ظهر و عصر، قرائت رکعت اول و دوم نیز باید آهسته خوانده شود؛ ولی در سایر ذکرها در همه نمازها مخیر است بلند یا آهسته بخواند.

مسأله ۲۲۲- تکبیر و حمد و سوره و سایر ذکرهای نماز را باید طوری بخواند که اگر مانعی در کار نباشد حداقل خودش آن را بشنود.

مسأله ۲۲۳- واجب است زنان حمد و سوره نماز «ظهر» و «عصر» را آهسته بخوانند، اما حمد و سوره نماز «صبح» و «مغرب» و «عشاء» را می‌توانند بلند یا آهسته بخوانند، ولی اگر نامحرم صدای آنها را بشنود، احتیاط مستحب آن است که آهسته بخوانند.

مسأله ۲۲۴- اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند

بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، صحیح است.

مسأله ۲۲۵- اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است؛ مثلاً می‌بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده، لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.

مسأله ۲۲۶- انسان باید مسائل و قرائت نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی‌تواند به طور کامل قرائت صحیح را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند و احتیاط مستحب است که نماز را به جماعت بجا آورد.

● رکوع

مسأله ۲۲۷- نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت حمد و سوره، باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می‌گویند. و واجب است در حال رکوع ذکر بگوید.

مسأله ۲۲۸- در رکوع، سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» بگوید.

مسأله ۲۲۹- مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و در حال رکوع زانوها را به عقب دهد و پشت را صاف نگه دارد، گردن را بکشد و مساوی

پشت نگه دارد و میان دو قدم نگاه کند و بعد از آن که از رکوع برخاست و راست ایستاد در حالی که بدن آرام است بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».

مسأله ۲۳۰- در موقع ذکر واجب باید بدن آرام باشد و برای ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد ذکر رکوع می‌گوید آرام بودن بدن لازم است.

مسأله ۲۳۱- کسی که نمی‌تواند به اندازه رکوع خم شود اگر بتواند باید به چیزی تکیه کند و رکوع نماید و اگر آن هم ممکن نشود باید به هر اندازه که ممکن است خم شود و اگر هیچ نتواند خم شود باید رکوع را به صورت نشسته انجام دهد و اگر آن هم ممکن نشود در حال ایستاده با سر اشاره می‌کند و اگر این راه هم نتواند به نیت رکوع چشم‌ها را بر هم می‌گذارد و ذکر می‌گوید و به نیت برخاستن از رکوع چشم‌ها را باز می‌کند.

مسأله ۲۳۲- کسی که نماز نشسته می‌خواند برای رکوع باید بقدری خم شود که بگویند رکوع کرده است.

مسأله ۲۳۳- اگر پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.

مسأله ۲۳۴- اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است.

● سجود

مسألة ۲۳۵- نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده بجا آورد.

مسألة ۲۳۶- سجده آن است که اعضای هفتگانه، یعنی پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست)، را بر زمین بگذارد و در حال سجده واجب است ذکر بگوید.

مسألة ۲۳۷- در سجده سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ» بگوید.

مسألة ۲۳۸- در حال ذکر سجده، باید بدن آرام باشد.

مسألة ۲۳۹- اگر کسی پیش از آن که پیشانی او به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر سجده را بگوید، نمازش باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره، ذکر بگوید.

مسألة ۲۴۰- نمازگزار باید بعد از تمام شدن ذکر سجده اول بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

مسألة ۲۴۱- اگر نمازگزار پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نمازش باطل است.

مسألة ۲۴۲- اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی

موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.

مسألة ۲۴۳- هرگاه پیشانی را سهواً بر جایی بگذارد که از محل زانوها یا انگشتان پا بیش از چهار انگشت بسته، پایین تر و بلندتر باشد، اگر بلندی به حدی است که به آن سجده نمی گویند باید سر را بردارد و روی چیزی بگذارد که بلندی آن از چهار انگشت بسته کمتر است. اما اگر بقدری است که سجده به آن می گویند واجب است پیشانی را از روی آن به روی چیزی بکشد که به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است و اگر کشیدن پیشانی ممکن نیست، احتیاط آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

مسألة ۲۴۴- سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ، چه قبل از پخته شدن و چه بعد از آن صحیح است همچنین بر آجر و سفال و سیمان نیز جایز است.

مسألة ۲۴۵- مستحب است سجده را طولانی کند و تسبیح و حمد و ذکر خدا گوید و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد.

مسألة ۲۴۶- اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم به زمین برسد مانع ندارد.

مسألة ۲۴۷- نمازگزار باید در سجده پیشانی را بر زمین و یا آنچه از زمین می‌روید، ولی خوراکی و پوشاکی نباشد، مانند چوب و برگ درخت، قرار دهد.

مسألة ۲۴۸- سجده بر فلزات مانند طلا و نقره صحیح نیست، اما سجده بر سنگ‌های معدنی مانند سنگ مرمر و سنگ‌های سفید و سیاه و حتی عقیق اشکال ندارد.

مسألة ۲۴۹- سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است، مثل علف و گاه صحیح است.

مسألة ۲۵۰- سجده بر کاغذ، اگرچه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد، صحیح است.

مسألة ۲۵۱- برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد و بعد از آن بدین ترتیب:

* خاک پاک

* سنگ

* گیاه

مسألة ۲۵۲- اگر در سجده اول، مَهر به پیشانی بچسبد و بدون این که مَهر را بردارد دوباره به سجده رود نمازش اشکال دارد.

وظیفه کسی که نمی‌تواند بطور معمول سجده کند

مسأله ۲۵۳- کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به اندازه ای که می تواند خم شود و مُهر را بر جای بلندی بگذارد و سجده کند، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را بطور معمول بر زمین بگذارد.

مسأله ۲۵۴- اگر نمی تواند این کار را انجام دهد باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که قدری خم شود و مُهر را بلند کند و بر پیشانی بگذارد.

سجده واجب قرآن

مسأله ۲۵۵- در چهار سوره قرآن، آیه سجده است؛ که اگر انسان آن آیه را بخواند یا به آن گوش فرا دهد، بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند، و اگر به گوشش بخورد احتیاط واجب سجده کردن است.

مسأله ۲۵۶- سوره هایی که آیه سجده دارد:

* سوره شماره ۳۲ = سوره سجده، آیه ۱۵.

* سوره شماره ۴۱ = سوره فُصِّلَتْ، آیه ۳۷.

* سوره شماره ۵۳ = سوره نجم، آیه ۶۲.

* سوره شماره ۹۶ = سوره عَلَق، آیه ۱۹.

مسأله ۲۵۷- اگر سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد

باید سجده کند.

مسئله ۲۵۸- اگر آیه سجده را از رادیو و ضبط صوت و مانند آن بشنود، بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند.

مسئله ۲۵۹- اگر آیه سجده را از مثل بلندگو که صدای انسان را می‌رساند بشنود، واجب است سجده کند.

مسئله ۲۶۰- گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، اما مستحب می‌باشد. مثلاً بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَضَرُّعًا وَرِقًّا».

● تشهد

مسئله ۲۶۱- در رکعت دوم همه نمازها و رکعت آخر نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی نمازگزار باید بعد از سجده بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

● سلام

مسئله ۲۶۲- در رکعت آخر نماز، پس از تشهد باید سلام دهد و نماز را به پایان برد.

مسئله ۲۶۳- سلام نماز به این صورت است:
«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ

عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

و می تواند به سلام سوم قناعت کند.

● ترتیب

مسألة ۲۶۴- نماز باید به این ترتیب خوانده شود:
تکبیرة الإحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از
سجود، تشهد بخواند و در رکعت آخر، پس از تشهد، سلام
دهد.

● موالات

مسألة ۲۶۵- موالات؛ یعنی پشت سر هم بودن اجزای نماز و
فاصله نینداختن بین آنها.

مسألة ۲۶۶- اگر کسی بقدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد
که از صورت نمازگزار خارج شود، نمازش باطل است.

مسألة ۲۶۷- طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های
بزرگ، موالات را بهم نمی زند، بلکه سکوت زیاد موالات نماز
را بهم می زند.

● قنوت

مسألة ۲۶۸- مستحب است در رکعت دوم نماز، بعد از حمد و

سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند؛ یعنی دستها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکر بخواند.

مسألة ۲۶۹- در قنوت هر دعایی بخواند کافی است و می تواند این دعا را بخواند:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

● تعقیب نماز

تعقیب یعنی مشغول شدن به ذکر و دعا و قرآن بعد از سلام نماز. و در واقع آثار نماز را در وجود انسان عمیق تر می کند.

مسألة ۲۷۰- بهتر است انسان در حال تعقیب رو به قبله باشد.

مسألة ۲۷۱- لازم نیست تعقیب به عربی باشد، و معنای آن را نیز بفهمد؛ ولی بهتر است چیزهایی را که در کتاب دعا دستور داده اند بخواند.

مسألة ۲۷۲- از چیزهایی که برای تعقیب نماز زیاد سفارش شده، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام است؛ یعنی گفتن: ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ».



مبطلات نماز

مسألة ۲۷۳- آنگاه که نماز گزار، تکبیرة الإحرام می گوید و نماز را شروع می کند، تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می شود که اگر در نماز، یکی از آنها را انجام دهد نمازش باطل است، مثل:

- سخن گفتن.
- خندیدن.
- گریستن.
- روی از قبله برگرداندن.
- خوردن و آشامیدن.
- بر هم زدن صورت نماز.
- کم یا زیاد کردن ارکان نماز. (به شرحی که در مسألة ۱۹۳ گذشت)^(۱)

۱- برای آشنایی با سایر مبطلات نماز می توانید به رساله توضیح المسائل، مسألة ۱۰۰۵ مراجعه کنید.

احکام مبطلات نماز

● سخن گفتن

مسألة ۲۷۴- اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته باشد، اگرچه آن کلمه معنایی هم نداشته باشد، نمازش باطل است. (بنابراحتیاط واجب).

مسألة ۲۷۵- اگر از روی فراموشی سخن بگوید؛ مثلاً متوجه نبود که در حال نماز است، نماز باطل نمی‌شود.

مسألة ۲۷۶- سرفه کردن و عطسه نمودن نماز را باطل نمی‌کند.

مسألة ۲۷۷- در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند واجب است جواب او را بدهد، و باید همان‌طور که او سلام کرده جواب دهد؛ مثلاً اگر گفته: «سلام علیکم» در جواب بگوید «سلام علیکم» و اگر گفته: «سلام»، بگوید: «سلام»، در غیر نماز نیز جواب سلام واجب است.

● خندیدن و گریستن

مسألة ۲۷۸- اگر نمازگزار عمداً با صدا بخندد، نمازش باطل است. حتی اگر بی‌اختیار بخندد نیز نمازش باطل می‌شود.

مسألة ۲۷۹- لبخند زدن نماز را باطل نمی‌کند.

مسألة ۲۸۰- گریه کردن با صدا نماز را باطل می‌کند هر چند

بی اختیار شود، بلکه بنا بر احتیاط واجب گریه بی صدا نیز نماز را باطل می‌کند. اینها در صورتی است که گریه از ترس خدا و برای آخرت نباشد و گرنه نه تنها نماز را باطل نمی‌کند بلکه از بهترین اعمال و از کارهای اولیای خداست.

● روی از قبله برگرداندن

مسئله ۲۸۱- اگر عمداً به قدری روی خود را از قبله برگرداند که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل است، بنا بر احتیاط واجب.

مسئله ۲۸۲- اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند.

● خوردن و آشامیدن

مسئله ۲۸۳- اگر نمازگزار چیزی بخورد یا بیاشامد، نمازش باطل است.

مسئله ۲۸۴- اگر نمازگزار خرده غذایی که در دهانش باقی مانده فرو برد نمازش باطل نمی‌شود.

● بر هم زدن صورت نماز

مسئله ۲۸۵- اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هر چند از

روی فراموشی باشد، نماز باطل می شود.

مسألة ۲۸۶- اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.

مسألة ۲۸۷- رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است، بنابراین احتیاط واجب؛ مگر در حال ناچاری، مانند این موارد:

۱. حفظ جان خود یا دیگری.

۲. حفظ مال مهممی از خود یا دیگری.

۳. جلوگیری از ضرر مالی و بدنی.

مسألة ۲۸۸- شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم، در صورتی که بعد از نماز دسترسی به او پیدا نمی کند، واجب است.

مسألة ۲۸۹- شکستن نماز برای مالی که اهمیّت چندانی ندارد مکروه است.

مسألة ۲۹۰- برخی از کارها در نماز مکروه است؛ مانند:

۱. برهم گذاشتن چشمها.

۲. بازی کردن با انگشتان و دستها و موی سر یا صورت.

۳. سکوت کردن برای شنیدن حرف کسی در هنگام خواندن حمد، یا سوره، و یا ذکر.

۴. هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد.

۵. برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون زیاد آن نماز را باطل می‌کند).

ترجمه اذان و اقامه

* «اللَّهُ أَكْبَرُ»

خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

* «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان، خدایی نیست.

* «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

گواهی می‌دهم که محمد فرستاده خداست.

* «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ».

گواهی می‌دهم که علی ولی خدا بر همه خلق است.

* «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ».

بشتابید بسوی نماز.

* «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ».

بشتابید به سوی رستگاری.

* «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ».

بشتابید به سوی بهترین کارها.

* «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ».

همانا نماز برپا شد.

* «اللَّهُ أَكْبَرُ».

خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

* «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

جز آفریدگار جهان معبودی نیست.

ترجمه نماز

تکبیرة الإحرام: * «اللَّهُ أَكْبَرُ».

خدا از همه چیز و همه کس برتر است.

حمد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

* «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

ستایش، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان

است.

* «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

بخشنده و بخشایشگر است.

* «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ».

(خداوندی که) مالک روز جزاست.

* «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ».

(پروردگارا) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری

می جوییم.

* «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».

ما را به راه راست هدایت کن.

* «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ».

راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی.

* «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ».

نه کسانی که بر آنان غضب کردی و نه گمراهان.

سوره: * «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

* «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».

بگو خداوند، یکتا و یگانه است.

* «اللَّهُ الصَّمَدُ».

خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می کنند.

* «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ».

(هرگز) نژاد و زاده نشد.

* «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».

برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است.

ذکر رکوع: * «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ».
خدای خود را، که بزرگ است، منزه می دانم و می ستایم.

ذکر سجود: * «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ».
خدای خود را، که از همه بالاتر است، منزه می دانم و
می ستایم.

تسبیحات اربعه: * «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

منزه است خدا و ستایش مخصوص خداست، و جز
آفریدگار جهان معبودی نیست و خدا از همه برتر است.

تشهد و سلام: * «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ».

گواهی می دهم که جز آفریدگار، خدایی نیست و یکتا و
بی همتاست و شریک ندارد.

* «وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

و گواهی می دهم که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده و فرستاده اوست.

* «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست.
* «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».
درود و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر.
* «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».
درود بر ما و بر بندگان صالح خدا.
* «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».
درود بر شما (ای نمازگزاران و مؤمنان) و رحمت و برکات
خدا بر شما.



شکایات نماز

مقدمه

گاهی ممکن است نمازگزار در انجام بعضی از کارهای نماز شک کند؛ مثلاً نمی‌داند تشهد را خوانده است یا نه و یا نمی‌داند یک سجده بجا آورده است یا دو سجده. و گاهی در تعداد رکعاتی که خوانده است شک می‌کند؛ مثلاً نمی‌داند اکنون مشغول رکعت سوم است یا چهارم. برای شک در نماز، احکام خاصی است و بیان تمام موارد آن از حدّ این نوشته خارج است؛ ولی بطور مختصر، به بیان اقسام شک و احکام هر کدام می‌پردازیم:

شک در کارهای نماز

مسأله ۲۹۱- اگر نمازگزار در انجام یکی از کارهای نماز شک کند؛ یعنی نمی‌داند آن را بجا آورده است یا نه، اگر کار بعدی را شروع نکرده؛ یعنی هنوز از محلّ آن کار نگذشته است؛ باید آن را بجا آورد. ولی اگر بعد از داخل شدن در کار بعدی شک پیش

آمده؛ به چنین شکّی اعتنا نمی‌کند و نماز را ادامه داده و صحیح است. (مثلاً اگر در رکوع شک کند، سوره را بجا آورده یا نه، اعتنا نمی‌کند چون محلّ سوره گذشته است).

مسأله ۲۹۲- اگر بعد از انجام جزئی از نماز در صحّت آن شک کند، یعنی نمی‌داند جزئی را که بجا آورده، صحیح انجام شده است یا نه، در این صورت به شکّ خود اعتناء نمی‌کند؛ یعنی بنا می‌گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است.

شکهایی که نماز را باطل می‌کند

مسأله ۲۹۳- اگر در نماز دو رکعتی مثل نماز صبح یا در نماز مغرب شک در رکعت پیش آید، نماز باطل است.

مسأله ۲۹۴- اگر بین یک و بیشتر از یک شک کند؛ مثلاً شک کند که در رکعت اول است یا دوم، نماز باطل است.

مسأله ۲۹۵- اگر اصلاً نداند چند رکعت خوانده، نماز او باطل است.

مسأله ۲۹۶- شک در رکعات نماز چهار رکعتی:
در این جدول مواردی که شک سبب باطل شدن نماز می‌شود و مواردی که صحیح است و راه اصلاح آن بیان شده است.

نوع شک	در حال	در رکوع	بعد از رکوع	در سجده	بعد از سجده بطور نشسته	وظیفه نمازگزار در مواردی که نماز صحیح می باشد
بین ۲ و ۳	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	بنا را بر سه گذاشته و یک رکعت دیگر می خواند و پس از سلام، ایستاده، یک رکعت نماز احتیاط بخواند.
بین ۲ و ۴	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می خواند.
بین ۳ و ۴	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده می خواند.
بین ۴ و ۵	صحیح	باطل	باطل	باطل	صحیح	اگر در حال قیام شک پیش آمده است، بدون رکوع می نشیند و نماز را تمام می کند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده می خواند و احتیاطاً نماز را اعاده می کند و اگر در حالت نشسته بعد از سجده ها پیش آمده است، بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا می آورد.

مسأله ۲۹۷- شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

* در نماز مستحبی.

* در نماز جماعت.

* پس از سلام نماز.

* بعد از گذشت وقت نماز.

* شک کثیر الشک؛ یعنی کسی که بسیار شک می‌کند.

مسأله ۲۹۸- اگر کسی در تعداد رکعت‌های نماز مستحبی شک

کند، بنا را بر دو می‌گذارد، چون تمام نمازهای مستحبی - بجز نماز وتر و نماز اعرابی - دو رکعتی است. پس اگر شک بین یک و دو، یا دو و بیشتر از آن پیش آید، بنا بر دو می‌گذارد و نماز صحیح است.

مسأله ۲۹۹- اگر امام جماعت در نماز جماعت، در رکعت‌های

نماز شک کند، ولی مأموم شک نداشته باشد و به امام بفهماند که رکعت چندم است، امام جماعت نباید به شک خود اعتنا کند، همچنین اگر مأموم شک کند، ولی امام جماعت شک نداشته باشد، از امام جماعت پیروی می‌کند و نماز او صحیح است.

مسأله ۳۰۰- اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح

بوده یا نه؛ مثلاً شک کند رکوع کرده یا نه، یا شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۳۰۱- اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز

خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست؛ ولی اگر پیش از گذشتن وقت شک کند که نماز را خوانده یا نه، باید نماز را بخواند.

مسألة ۳۰۲- اگر یکی از شکهایی که نماز را باطل می‌کند پیش آید، باید مقداری فکر کند و چنانچه چیزی یادش نیامد و شک باقی ماند، نماز را بهم می‌زند و دوباره شروع می‌کند.

نماز احتیاط

مسألة ۳۰۳- در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود، مثل شک بین ۳ و ۴، باید بعد از سلام نماز، بدون آن که صورت نماز را بهم بزند و یا یکی از مبطلات نماز را انجام دهد برخیزد و بدون اذان و اقامه تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.

مسألة ۳۰۴- فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

* نیت آن را نباید به زبان آورد.

* سوره و قنوت ندارد.

* سوره حمد، حتی بسم الله را باید آهسته بخواند. (بنا بر

احتیاط واجب).

مسألة ۳۰۵- اگر یک رکعت نماز احتیاط، واجب باشد پس از سجده‌ها، تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد در پایان رکعت دوم تشهد بخواند و سلام دهد.

سجده سهو

مسأله ۳۰۶- هر کم و زیادی در غیر ارکان نماز حاصل شود و نیز در کلام سهوی و سلام سهوی، سجده سهو بجا می‌آورد و همچنین در شک بین ۴ و ۵، و سجده سهو چنین است که بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَسْلَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ». و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکر بالا را بگوید، سپس بنشیند و تشهد و سلام را بخواند. و احتیاطاً فقط سلام آخر را بگوید.



نماز مسافر

مسألة ۳۰۷- انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را شکسته، یعنی دو رکعت، بجا آورد؛ به شرط آن که مسافرش از هشت فرسخ کمتر نباشد. (هشت فرسخ شرعی در حدود ۴۳ کیلومتر است).

مسألة ۳۰۸- اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است؛ مثل وطن، حدّ اقل چهار فرسخ می رود، و چهار فرسخ برمی گردد، نمازش در این سفر هم شکسته است.

مسألة ۳۰۹- کسی که به مسافرت می رود، زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حدّ اقل به مقداری دور شود که اذن آنجا را نشنود، یا این که اهل آنجا او را نبینند و نشانه آن این است که او اهل آنجا را نبیند و چنانچه قبل از آن که به این مقدار دور شود، بخواهد نماز بخواند، باید تمام بخواند.

مسألة ۳۱۰- اگر به جایی می رود که دو راه دارد، یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته

بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود باید نماز را چهار رکعتی بخواند.

مسألة ۳۱۱- در این موارد نماز تمام است:

۱. قبل از آن که هشت فرسخ برود، از وطن خود می‌گذرد و یا در جایی قصد دارد ده روز بماند.

۲. از اوّل قصد نداشته است به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد، این مسافت را پیموده؛ مثل کسی که به دنبال گمشده‌ای می‌گردد.

۳. قبل از رسیدن به چهار فرسخ از رفتن منصرف شود.

۴. کسی که شغل او مسافرت است، مثل راننده قطار و ماشینهای برون شهری، خلبان، ملوان (در سفری که شغل اوست) همچنین کسانی که برای کار یا تحصیل از جایی به جای دیگر رفت و آمد دارند.

۵. کسی که برای کارش بطور متعارف حدّ اقل هفته‌ای سه روز مسافرت می‌رود و آخر هفته به وطن خود برمی‌گردد.

۶. کسی که به سفر حرام می‌رود؛ مانند سفری که موجب اذیت پدر و مادر باشد. در همه اینها نماز تمام است.

۷. در این مکانها نیز نماز تمام است:

● در وطن.

● در جایی که بنا دارد ده روز بماند.

● در جایی که سی روز با تردید مانده است؛ یعنی معلوم نبوده که می ماند یا می رود و تاسی روز به همین حالت مانده، و باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.

وطن کجاست؟

مسألة ۳۱۲- وطن، جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده است.

مسألة ۳۱۳- فرزند، تا زمانی که با پدر و مادر زندگی می کند و مستقل نشده است، همان وطن پدر و مادر وطن او می باشد، هر چند در آنجا به دنیا نیامده باشد و پس از آن که در زندگی مستقل شد، اگر جای دیگری را برای زندگی مستمر اختیار کرد، آنجا وطن او می شود.

مسألة ۳۱۴- تا انسان قصد ماندن مستمر در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آنجا وطن او حساب نمی شود.

مسألة ۳۱۵- اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند؛ مثلاً یک سال یا بیشتر، آنجا مانند وطن او حساب می شود، مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل در شهری می ماند.

مسألة ۳۱۶- اگر انسان بدون قصد ماندن مستمر و بدون قصد

رفتن در جایی آن قدر بماند که مردم او را اهل آنجا بدانند، آنجا حکم وطن او را دارد.

مسألة ۳۱۷- اگر به جایی برود که قبلاً وطن او بوده، ولی هم‌اکنون از آنجا اعراض کرده است؛ یعنی بنا گذاشته که دیگر برای سکونت مستمر به آنجا برنگردد، نباید نماز را تمام بخواند، اگرچه در آنجا خانه دارد یا گاه دیدن می‌کند.

مسألة ۳۱۸- مسافری که به وطنش برمی‌گردد، وقتی به جایی برسد که اهل وطن او را ببینند و صدای اذان را بشنود باید نماز را تمام بخواند.

قصد ده روز

مسألة ۳۱۹- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده است باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

مسألة ۳۲۰- اگر مسافر از قصد ده روز برگردد:

الف) قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ باید نماز را شکسته بخواند.

ب) بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

نماز قضا

نماز قضا، نمازی را گویند که بعد از وقت خوانده شود.
مسألة ۳۲۱- انسان باید نمازهای واجب را در وقت معین آن بخواند و چنانچه خدای نکرده بدون عذر نمازی از او قضا شود گناهکار است و باید توبه کرده و قضای آن را هم بجا آورد.
مسألة ۳۲۲- در دو مورد، بجا آوردن قضای نماز، واجب است:

الف) نماز واجب را در وقت آن، نخوانده باشد.
ب) بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده است باطل بوده.

مسألة ۳۲۳- کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوراً آن را بجا آورد.
مسألة ۳۲۴- قضای نمازهای روزانه لازم نیست به ترتیب خوانده شود، ولی اگر نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا یک روز

باشد، باید به ترتیب بخواند.

مسأله ۳۲۵- کسی که می‌داند نماز قضا دارد، ولی شماره آنها را نمی‌داند؛ مثلاً نمی‌داند چهارتا بوده یا پنج‌تا، چنانچه کمتر را بخواند کافی است.

مسأله ۳۲۶- اگر شماره آنها را می‌دانسته، ولی اتفاقاً فراموش کرده است اگر مقدار کمتر را بخواند کفایت می‌کند.

مسأله ۳۲۷- نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخوانند، مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند، اشکال ندارد.

مسأله ۳۲۸- اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشا، از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی بجا آورد، اگرچه در شهر خودش باشد.

مسأله ۳۲۹- در سفر نمی‌توان روزه گرفت، حتی روزه قضا، ولی نماز قضا می‌توان بجا آورد.

مسأله ۳۳۰- اگر در سفر بخواند نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده است بجا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشا را چهار رکعتی قضا کند.

مسأله ۳۳۱- نماز قضا را در هر وقتی می‌توان بجا آورد.

نماز قضای پدر و مادر

مسألة ۳۳۲- تا انسان زنده است، اگرچه از خواندن نماز خود عاجز باشد، دیگری نمی تواند نمازهای او را قضا کند.

مسألة ۳۳۳- پس از مرگ پدر یا مادر، نماز و روزه‌هایی را که به خاطر عذری بجا نیاورده باشد، بر پسر بزرگتر او واجب است آن نماز و روزه‌ها را قضا کند.



نماز جماعت

مقدمه

وحدت امت اسلامی، از جمله مسائلی است که اسلام، به آن اهمیت بسیاری داده است، و برای حفظ و ادامه آن، برنامه‌های ویژه‌ای دارد؛ یکی از آنها نماز جماعت است. در نماز جماعت، یکی از نمازگزاران که دارای تقوا و عدالت است پیشاپیش جمعیت می‌ایستد و دیگران در صفوفی منظم، پشت سر او و هماهنگ با او نماز را بجا می‌آورند. کسی که در این نماز دسته‌جمعی، پیشاپیش جمعیت می‌ایستد «امام جماعت» است و کسی که پشت سر او، در نماز از او پیروی می‌کند «مأموم» است.

اهمیت نماز جماعت

گذشته از آن‌که در روایات زیادی، برای نماز جماعت، اجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقت در مضمون روایات

اسلامی به اهمّیت این عبادت پی می بریم، و در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

مسأله ۳۳۴- شرکت در نماز جماعت برای هر کسی مستحب است؛ بویژه برای همسایه مسجد.

مسأله ۳۳۵- مستحب است، انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

مسأله ۳۳۶- نماز جماعت، هر چند اوّل وقت خوانده نشود، از نماز فرادای^(۱) اوّل وقت بهتر است.

مسأله ۳۳۷- نماز جماعتی که مختصر خوانده می شود، از نماز فرادایی که آن را طول بدهد بهتر است.

مسأله ۳۳۸- سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

مسأله ۳۳۹- حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنائی به آن، جایز نیست.

شرایط نماز جماعت

مسأله ۳۴۰- در نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:
۱. مأموم از امام جلوتر نایستد، و احتیاط واجب آن است

۱- نمازی که به تنهایی خوانده شود «نماز فرادا» نام دارد.

کمی عقب‌تر بایستند.

۲. جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین، بالاتر نباشد.
(مقدار کم و سرایشی مختصر مانعی ندارد).

۳. فاصله امام و مأموم و فاصله صف‌ها، زیاد نباشد، و احتیاط آن است که فاصله بیش از دو سه قدم نباشد.

۴. بین امام و مأموم و همچنین بین صف‌ها، چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده و مانند آن بین صف مردها و زنها اشکال ندارد.

مسألة ۳۴۱- مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و فضیلت و تقوا در صف اول بایستند.

مسألة ۳۴۲- امام جماعت باید بالغ و عادل باشد و نماز را بطور صحیح بخواند.

پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن)

مسألة ۳۴۳- در هر رکعت، تنها در بین قرائت و در رکوع می‌توان به «امام» اقتدا کرد، پس اگر به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعد اقتدا کند، و اگر تنها به رکوع امام جماعت هم برسد، یک رکعت به حساب می‌آید.

مسألة ۳۴۴- حالت‌های مختلف برای پیوستن به نماز جماعت.

● رکعت اول

۱. در بین قرائت: مأموم حمد و سوره را نمی خواند و بقیّه اعمال را با امام جماعت بجا می آورد.
۲. در رکوع: رکوع و بقیّه اعمال را با امام جماعت بجا می آورد.

● رکعت دوم

۱. در بین قرائت: مأموم حمد و سوره را نمی خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را بجا می آورد و آنگاه که امام جماعت تشهد می خواند، بنا بر احتیاط واجب باید به صورت نیم خیز، بنشیند^(۱) و اگر نماز دو رکعتی است بعد از سلام امام یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوم که امام جماعت در رکعت سوم می باشد، حمد و سوره را خودش آهسته بخواند و آنگاه که امام جماعت رکعت سوم را تمام کرد، و برای رکعت چهارم برمی خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند، و برای خواندن رکعت سوم برخیزد و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می برد او نیم خیز می نشیند سپس یک رکعت دیگر را خودش می خواند.

۱- به این عمل «تَجَافِي» گفته می شود.

۲. در رکوع: رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد و بقیه نماز را همانگونه که گفته شد، انجام می‌دهد.

● رکعت سوم

۱. در بین قرائت: زمانی که می‌داند اگر اقتدا کند، برای خواندن حمد و سوره و یا حمد تنها وقت دارد، می‌تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره و اگر امام به رکوع رفت فقط حمد را بخواند، ولی اگر می‌داند فرصت ندارد، باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.

۲. در رکوع: چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام بجا می‌آورد و حمد و سوره برای آن رکعت لازم نیست و بقیه نماز را همانگونه که قبلاً بیان شد بجا می‌آورد.

● رکعت چهارم

۱. در بین قرائت: حکم اقتدا در رکعت سوم را دارد، و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند، مأموم بطور نیم‌خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد و بقیه نماز را خودش بخواند.

۲. در رکوع: رکوع و سجده‌ها را با امام بجا می‌آورد، (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اول مأموم است) و بقیه نماز را همانگونه که در مسأله قبل گذشت انجام می‌دهد.

احکام نماز جماعت

مسألة ۳۴۵- اگر امام جماعت یکی از نمازهای یومیّه را می خواند، هر کدام از نمازهای یومیّه را می توان به او اقتدا کرد، بنابراین اگر امام، نماز عصر را می خواند، مأوم می تواند، نماز ظهر را به او اقتدا کند، و اگر مأوم پس از آنکه نماز ظهر را خواند، جماعت برپا شود می تواند، نماز عصر را به ظهر امام اقتدا کند.

مسألة ۳۴۶- مأوم می تواند نماز قضای خود را به نماز ادای امام، اقتدا کند، هر چند قضای دیگر نمازهای یومیّه باشد، مثلاً امام جماعت نماز ظهر را می خواند و او قضای نماز صبح را.

مسألة ۳۴۷- نماز جماعت، حدّ اقل با دو نفر برپا می شود، یک نفر امام و یک نفر مأوم، مگر در نماز جمعه که حدّ اقل باید پنج نفر باشند.

مسألة ۳۴۸- نمازهای مستحبّی را نمی توان به جماعت خواند، مگر نماز طلب باران.^(۱)

مسألة ۳۴۹- مأوم نباید تکبیرة الإحرام را پیش از امام بگوید.

۱- به این نماز، نماز «استسقا» گفته می شود.

مسألة ۳۵۰- مأموم، باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را
خودش بخواند، ولی اگر رکعت اول یا دوم او، همراه رکعت
سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را نیز خودش
بخواند.





مقدمه

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان «نماز جمعه» است، و نمازگزاران در روز جمعه می‌توانند به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند، و برتر از نماز ظهر است. در فضیلت این نماز، همین بس که سوره‌ای در قرآن به این نام آمده و در آنجا مؤمنان را به حضور در نماز جمعه، دعوت فرموده است.

چگونگی نماز جمعه

- مسألة ۳۵۱-** نماز جمعه دو رکعت است، مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می‌شود.
- مسألة ۳۵۲-** احتیاط آن است که امام جمعه، حمد و سوره را بلند بخواند.
- مسألة ۳۵۳-** در نماز جمعه مستحب است در رکعت اول پس از

سورة حمد، سورة «جمعه» و در رکعت دوم پس از حمد، سورة «منافقون» خوانده شود.

مسألة ۳۵۴- در نماز جمعه دو قنوت مستحب است، یکی در رکعت اول، پیش از رکوع، و دیگری در رکعت دوم، پس از رکوع.

شرایط نماز جمعه

مسألة ۳۵۵- در نماز جمعه شرایط زیر باید مراعات شود:

- * تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است.
- * باید به جماعت برگزار شود و فرادا صحیح نیست.
- * حدّ اقلّ تعداد افراد، برای برپایی نماز جمعه، پنج نفر می باشد؛ یعنی یک نفر امام، و چهار نفر مأموم.
- * بین دو نماز جمعه، حدّ اقل باید یک فرسخ فاصله باشد.

وظیفه نماز گزاران جمعه

مسألة ۳۵۶- بنا بر احتیاط واجب مأمومین باید به خطبه‌ها گوش دهند.

مسألة ۳۵۷- احتیاط واجب است که از سخن گفتن پرهیزند

هرچند سخن گفتن، نماز جمعه را باطل نمی‌کند.

مسألة ۳۵۸- احتیاط واجب آن است که شنوندگان، هنگام ایراد خطبه‌ها، رو به امام جمعه بنشینند و به این طرف و آن طرف نگاه نکنند.

مسألة ۳۵۹- اگر انسان به رکعت اول نماز جمعه نرسد، در صورتی که خود را به رکعت دوم، هرچند در رکوع، برساند صحیح است و رکعت دوم را خودش می‌خواند؛ ولی احتیاط واجب آن است که عمداً تأخیر نیندازد.



نماز آیات

مسأله ۳۶۰- یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است که به سبب پیش آمدن این حوادث واجب می شود: زلزله، خسوف (ماه گرفتگی)، کسوف (خورشیدگرفتگی)، و نیز رعد و برق شدید و وزیدن بادهای زرد و سرخ در صورتی که مایه وحشت نوع مردم شود.

چگونگی نماز آیات

مسأله ۳۶۱- نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت آن پنج رکوع دارد. قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می شود؛ یعنی در دو رکعت، ده حمد و ده سوره خوانده می شود، ولی می توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می شود.

در اینجا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات را

می آوریم:

● رکعت اول

پس از تکبیرة الإحرام سورة حمد را بخواند و «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوید و به رکوع رود.
سپس بایستد و بگوید: «قل هو الله احد» و به رکوع رود.
بار دیگر بایستد و بگوید: «الله الصمد» و به رکوع رود.
سر از رکوع بردارد و بگوید: «لم ینلد و لم یولد» و به رکوع رود.

از رکوع سر بردارد و بگوید: «و لم یکن له کفواً احد» و به رکوع رود.

و بعد از سر برداشتن از رکوع به سجده رود و پس از انجام دو سجده برای رکعت دوم برخیزد و در همه رکوعها ذکر رکوع مطابق معمول گفته شود.

● رکعت دوم

رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول بجا می آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز را به پایان می برد.

احکام نماز آیات

مسألة ۳۶۲- اگر یکی از سبب های نماز آیات فقط در شهری

اتفاق بیفتند، مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.

مسألة ۳۶۳- اگر در یک رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است.

مسألة ۳۶۴- قنوت در نماز آیات مستحب است و اگر یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است.

مسألة ۳۶۵- هر یک از رکوع‌های نماز آیات، رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

مسألة ۳۶۶- نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.



نمازهای مستحب^(۱)

مسأله ۳۶۷- نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش بیان تمام آنها را ندارد، اما برخی از آنها را که اهمّیت بیشتری دارد می‌آوریم:

نماز عید

مسأله ۳۶۸- در دو عید «فطر» و «قربان» خواندن نماز مخصوص عید در زمان غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مستحب است.

وقت نماز عید

مسأله ۳۶۹- وقت نماز عید، از طلوع آفتاب است تا ظهر.
مسأله ۳۷۰- مستحب است، در عید فطر، بعد از بلند شدن آفتاب، افطار کنند و زکاتِ فِطْرَه^(۲) را هم بدهند، سپس نماز عید

۱- نماز مستحب را «نافله» گویند.

۲- زکات فطره یکی از واجب‌های مالی است که روز عید فطر باید قبل از نماز عید پرداخت شود. (به مسأله ۳۸۰ مراجعه کنید).

را بخوانند.

چگونگی نماز عید

مسألة ۳۷۱- نماز عید دو رکعت است، با نُه قنوت و اینگونه

خوانده می شود:

* در رکعت اول نماز پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود، و بعد از هر تکبیر یک قنوت، و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده.

* در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت چهارم، تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام بجا می آورد.

* در قنوت های نماز عید، هر دعا و ذکر می بخوانند کافی

است، ولی بهتر است، این دعا را بخوانند:

«اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْمَجْبُورَاتِ، وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً، وَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ذُخْراً وَ شَرَفاً وَ كَرَامَةً وَ مَزِيداً، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ دُخْلَانِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ

كُلُّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ؛
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا
اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ».

نافله‌های شبانه‌روزی

نافله‌های شبانه‌روزی در غیر روز جمعه ۳۴ رکعت است که از جمله آنها یازده رکعت «نافله شب» و دو رکعت «نافله صبح» و دو رکعت «نافله عشا» می‌باشد که به صورت نشسته بجا آورده می‌شود و چهار رکعت «نافله مغرب» که ثواب بسیار دارد^(۱).

نماز شب

مسأله ۳۷۲- نماز شب یازده رکعت است که بدین ترتیب خوانده می‌شود:

چهار تا دو رکعت به نیت نافله شب، دو رکعت به نیت نافله شفع و یک رکعت به نیت نافله وثر.

وقت نماز شب

مسأله ۳۷۳- نماز شب آثار و فواید و نورانیّت بسیار دارد و

۱- برای آشنایی بیشتر با نافله‌های شبانه‌روزی به رساله توضیح المسائل مسأله ۷۰۰ به بعد مراجعه کنید.

وقت آن از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.

مسأله ۳۷۴- مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می تواند آن را قبل از خوابیدن بجا آورد.

نماز غُفِيلَه

مسأله ۳۷۵- یکی دیگر از نمازهای مستحبی، نماز «غُفِيلَه» است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود (این نماز را باید به قصد رجا یعنی به امید مطلوبیت بجا آورد).

کِفَیَّتِ نَمازِ غُفِيلَه

مسأله ۳۷۶- نماز غفيله دو رکعت است، که در رکعت اول، پس از حمد این آیه خوانده شود:

«وَذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ».

و در رکعت دوم، پس از حمد، این آیه خوانده می شود:

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا

رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ».

و در قنوت آن، این دعا خوانده می شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمِفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ [وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي] ^(۱) اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي
وَ الْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ
وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي».

۴۰۴

۱- به جای جمله «ان تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي» می تواند حاجت دیگری از خدا بخواهد. مثلاً بگوید «وَأَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

روزه

مقدمه

روزه یکی از عبادت‌های مهمّ اسلامی است که در هر سال تنها به مدّت یک ماه، ماه مبارک رمضان، بر مسلمانان واجب می‌شود. و یکی از بهترین روش‌های خودسازی و تهذیب نفس است.

روزه از معدود عباداتی است که گناه بزرگ ریا و خودنمائی نمی‌تواند در آن نفوذ کند؛ زیرا شخصی که اهل روزه است و لیاقت بار یافتن به این ضیافت الهی را دارد هرگز به غیر از خدا به دیگری فکر نمی‌کند، و شخصی که لیاقت این عبادت بزرگ را ندارد و اهل روزه نیست، بلکه اهل ریا و خودنمائی است، لازم نیست روزه بگیرد و تظاهر کند، بلکه بدون این که روزه بگیرد بدروغ خود را روزه دار نشان می‌دهد!

روزه از ارکان پنجگانهٔ اسلام، ابزار رسیدن به تقوی، سپر آتش جهنّم، موجب سلامتی انسان، و خلاصه یکی از بهترین ابزار ترقّی و قرب الی الله است.

وجوب روزه

مسألة ۳۷۷- هرگاه دختران پس از سن بلوغ قدرت انجام روزه را نداشته باشند، بر آنها واجب نیست و بجای هر روز روزه، کفاره مدّ طعام می دهند.

نیت روزه

مسألة ۳۷۸- روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند بجا آورده شود و این همان «نیت» روزه است.

مسألة ۳۷۹- انسان می تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیت کند، و بهتر است که شب اول ماه هم، روزه همه ماه را نیت کند.

مسألة ۳۸۰- لازم نیست نیت روزه را به زبان بگویند، بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند عالم از اذان صبح، تا مغرب، کاری که روزه را باطل می کند، انجام ندهد کافی است، کسی که برای خوردن سحری برمی خیزد حتماً نیت روزه دارد.

مسألة ۳۸۱- دو روز از سال روزه اش حرام است: عید فطر (اول ماه شوال) و عید قربان (دهم ماه ذی الحجه)

مسألة ۳۸۲- روزه روز عاشورا مکروه است هم چنین روزی

که انسان شک دارد روز عرفه است یا عید قربان و روزه میهمان بدون اجازه میزبان نیز کراهت دارد.

مسأله ۳۸۳- روزه تمام روزهای سال، غیر از روزه‌های حرام و مکروه مستحب است ولی بعضی از روزها تأکید بیشتری دارد از جمله:

۱. پنج‌شنبه اول و آخر هر ماه و اولین چهارشنبه بعد از دهم ماه، حتی اگر کسی اینها را بجا نیاورد مستحب است قضا کند.

۲. سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه.

۳. تمام ماه رجب و شعبان و اگر نتواند قسمتی از آن را روزه بگیرد هر چند یک روز باشد.

۴. روز بیست و چهارم ذی‌الحجه و بیست و نهم ذی‌القعدة.

۵. روز اول ذی‌الحجه تا روز نهم، ولی اگر به واسطه ضعف روز نتواند دعاهای روز عرفه را بخواند روزه آن روز مکروه است.

۶. عید سعید غدیر (۱۸ ذی‌الحجه)

۷. روز تولد پیغمبر اکرم (۱۷ ربیع‌الاول) ×

۸. روز اول و سوم و هفتم محرم

۹. روز مبعث رسول خدا (۲۷ رجب)

۱۰. روز عید نوروز

مُبطلات روزه

مسألة ۳۸۴- چنان که گفتیم روزه دار باید از «اذان صبح» تا «مغرب» از برخی کارها پرهیزد و اگر یکی از آنها را عمداً انجام دهد، روزه اش باطل می شود، به مجموعه این کارها «مُبطلاتِ روزه» گفته می شود، که از جمله آنهاست:

۱. خوردن و آشامیدن.
 ۲. استمناء.
 ۳. رساندن غبار غلیظ به حلق.
 ۴. فرو بردن تمام سر در آب.
 ۵. قی کردن عمدی.
 ۶. دروغ بستن به خدا و پیغمبر ﷺ و ائمه علیهم السلام.
 ۷. باقی ماندن بر جنابت یا حیض تا اذان صبح.
- بجز آنچه گفته شد، کارهای دیگری نیز روزه را باطل می کند که برای آشنایی با آنها، می توانید به رساله توضیح المسائل، مسألة ۱۳۳۵ مراجعه کنید.

احکام مُبطلات روزه

● خوردن و آشامیدن

مسألة ۳۸۵- اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل می شود.

مسألة ۳۸۶- اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو برد، روزه اش باطل می شود.

مسألة ۳۸۷- فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی کند، هر چند زیاد باشد.

مسألة ۳۸۸- اگر روزه دار به سبب فراموشی (نمی داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود، خواه کم باشد یا زیاد.

مسألة ۳۸۹- انسان نمی تواند، بخاطر ضعف، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد، یا سبب بیماری می شود، خوردن روزه اشکال ندارد.

● استمناء

مسألة ۳۹۰- اگر روزه دار با خود کاری کند که منی از او بیرون آید روزه اش باطل می شود، اما اگر بی اختیار در حال خواب یا بیداری بیرون آید، روزه باطل نمی شود.

مسألة ۳۹۱- هرگاه روزه دار می داند که اگر در روز بخوابد

محتلم می‌شود، یعنی در خواب منی از او بیرون می‌آید، جایز است بخوابد و چنانچه محتلم شود برای روزه او اشکالی ندارد.

● تزریق آمپول

مسألة ۳۹۲- تمام انواع آمپول‌های دارویی یا تقویتی که به صورت عضلانی تزریق می‌شوند و همچنین تزریق عضلانی واکسن برای افراد روزه دار اشکالی ندارد ولی تزریق آمپول‌ها و سرم‌های وریدی جایز نیست.

● رساندن غبار غلیظ به حلق

مسألة ۳۹۳- اگر روزه دار غبار غلیظی به حلق برساند، بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکیها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی، مانند خاک.

● فرو بردن تمام سردر آب

مسألة ۳۹۴- اگر روزه دار عمداً تمام سردر آب فرو برد، بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل می‌شود. ولی دوش حمام و مانند آن مانعی ندارد.

مسألة ۳۹۵- اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد و تمام سر او

را آب بگیرد، یا فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو برد، روزه او باطل نمی‌شود؛ ولی همین که فهمید باید فوراً سر را از آب بیرون آورد.

● قی کردن

مسألة ۳۹۶- هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند، هرچند به سبب بیماری باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.

مسألة ۳۹۷- اگر روزه‌دار نداند روزه است، یا بی‌اختیار قی کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

● دروغ بستن به خدا و پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام

مسألة ۳۹۸- هرگاه روزه‌دار دروغی به خدا و پیغمبر اکرم ﷺ و جانشینان معصوم او علیهم‌السلام نسبت دهد خواه با گفتن باشد، یا نوشتن، یا اشاره و مانند آن، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود، هر چند بلافاصله توبه کند. دروغ بستن به سایر انبیا و فاطمه زهرا علیهم‌السلام نیز همین حکم را دارد.

● باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

مسألة ۳۹۹- اگر شخص جنب عمداً تا صبح غسل نکند بنا بر

احتیاط واجب روزه‌اش باطل است ولی اگر توانایی بر غسل ندارد یا وقت تنگ است تیمّم نماید، اما اگر از روی عمد نباشد روزه‌اش صحیح است و زنی که از حیض یا نفاس پاک شده و تا اذان صبح غسل نکرده در حکم کسی است که باقی بر جنابت مانده است.

مسألة ۴۰۰- اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک یا چند روز یادش بیاید، باید روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده قضا نماید، مثلاً اگر نمی‌داند سه روز جنب بوده یا چهارروز، باید سه روز را قضا کند و قضای روز چهارم احتیاط مستحب است.

مسألة ۴۰۱- هرگاه روزه‌دار در روز محتلم شود بهتر است فوراً غسل کند اما اگر نکند برای روزه‌اش اشکالی ندارد.

مسألة ۴۰۲- هرگاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده روزه‌اش صحیح است، خواه بداند پیش از اذان محتلم شده، یا بعد از آن و یا شک داشته باشد.

مسألة ۴۰۳- اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و در غسل کردن کوتاهی کند، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل است، ولی چنانچه کوتاهی نکند، مثلاً منتظر باشد که حمام باز شود یا آب حمام گرم شود و تا اذان غسل نکند در صورتی که

تیمم کرده باشد روزه او صحیح است.

مسألة ۴۰۴- زنی که در حال استحاضه است باید غسل خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شد به جا آورد و روزه او صحیح است.

قضا و کفّاره روزه

● قضای روزه

مسألة ۴۰۵- اگر کسی روزه ماه رمضان را در وقت آن نگیرد، یا آن را باطل کند، باید بعد از ماه رمضان قضای آن را بجا آورد.

● کفّاره روزه

مسألة ۴۰۶- کسی که بدون عذر روزه خود را با یکی از مبطلات روزه باطل کند، باید قضای آن را بجا آورده و یکی از این کارها را نیز انجام دهد (و این همان کفّاره روزه است):
* آزاد کردن یک برده.

* دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد.

* سیر کردن شصت فقیر، یا دادن یک مُدّ طعام^(۱) به هر یک

۱- مدّ طعام تقریباً ده سیر (۷۵۰ گرم) گندم یا جو و مانند اینهاست.

از آنها، کسی که کفّاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه را انجام دهد، و چون امروز «برده» وجود ندارد، مورد دوم یا سوم را انجام می‌دهد، و اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست، باید یا ۱۸ روز روزه بگیرد و یا چند مُدّ طعام به فقیر بدهد و اگر نتواند، هرچند روز را که می‌تواند روزه بگیرد و اگر آن را هم نتواند انجام دهد، باید استغفار کند.

احکام قضا و کفّاره روزه

مسألة ۴۰۷- لازم نیست قضای روزه را فوراً بجا آورد، ولی بنا بر احتیاط واجب باید تا رمضان سال بعد، انجام دهد.

مسألة ۴۰۸- انسان نباید در بجا آوردن کفّاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست، فوراً آن را انجام دهد و اگر چند سال بر آن بگذرد چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.

مسألة ۴۰۹- اگر به سبب عذری مانند سفر، روزه نگرفته و پس از رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان سال بعد، عمداً قضای آن را بجا نیاورد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.

مسألة ۴۱۰- اگر به سبب بیماری نتواند روزه بگیرد و آن بیماری تا رمضان سال بعد طول بکشد قضای آن ساقط می‌شود،

ولی باید برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.

مسأله ۴۱۱- هرگاه در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با همان حال یک یا چند روز روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب قضا لازم دارد.

مسأله ۴۱۲- هرگاه کسی بگوید صبح شده و انسان به گفته او یقین نکند یا خیال کند شوخی می‌کند و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود که صحیح بوده؛ قضا لازم دارد.

روزه مسافر

مسأله ۴۱۳- مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نمی‌تواند در آن سفر روزه بگیرد؛ ولی باید قضای آن را بجا آورد، و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد.

مسأله ۴۱۴- اگر روزه دار بعد از ظهر مسافرت کند، باید روزه خود را تمام کند و صحیح است.

مسأله ۴۱۵- اگر روزه دار پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به «حدّ ترخص» برسد؛ یعنی به جایی برسد که صدای اذان شهر را نشنود و اهل آنجا او را نبینند، باید روزه خود را رها کند و اگر

پیش از آن روزه را باطل کند، علاوه بر قضا، بنا بر احتیاط واجب، کفاره هم دارد.

مسأله ۴۱۶- مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.

مسأله ۴۱۷- اگر مسافر، پیش از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، چنانچه تا آن وقت، کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده است، باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده، باید بعداً قضای آن را بجا آورد.

مسأله ۴۱۸- اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز بماند برسد، نباید آن روز را روزه بگیرد، و بعداً قضای آن را بجا می آورد.

زکاتِ فطره

مسأله ۴۱۹- کسانی که فقیر نیستند؛ یعنی هزینه سال خود را دارند، باید روز عید فطر مقداری از مال خود را به عنوان زکاتِ فطره به فقیر بدهند.

مقدار زکات فطره

مسأله ۴۲۰- برای خودش و کسانی که نان خور او هستند؛

مانند همسر و فرزندان، هر نفر یک صاع (تقریباً سه کیلو) می دهد.

جنس زکات فطره

مسأله ۴۲۱- جنس زکات فطره، گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت و مانند اینهاست، و نیز اگر پول یکی از اینها داده شود کافی است. و احتیاط واجب آن است که از جنس یکی از مواد غذایی باشد که در آن شهر معمول و متعارف است.



خُمس

خمس یکی از عبادات مالی است که تحت شرایط ویژه بر افراد خاصی واجب می‌شود. خمس پشتوانه مطمئن و مناسبی برای بیت المال مسلمین می‌باشد. خمس قسمتی از خلأ اقتصادی موجود در جامعه اسلامی را پر نموده، و بودجه مورد نیاز فعالیت‌هایی که جنبه دینی دارد را تأمین می‌کند.

مسأله ۴۲۲- در هفت چیز، خمس واجب است:

* از درآمد کسب و کار، آنچه از خرج سال زیاد بیاید.

* معدن.

* گنج.

* غنایم جنگی.

* جواهری که غواصان با فرو رفتن در دریا به دست

می‌آورند.

* مال حلال مخلوط به حرام.

* زمینی که کافر ذمی از مسلمان می‌خرد (بنابراحتیاط).

مسأله ۴۲۳- پرداخت خمس نیز مانند نماز و روزه از واجبات

است و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفت‌گانه را داشته باشند باید به آن عمل کنند.

یکی از آن موارد که اکثر افراد جامعه را در بر می‌گیرد «خمس در آمد کسب و کار است که از خرج سال انسان و خانواده‌اش زیاد بیاید».

[اسلام به کسب و کار افراد احترام گذاشته و تأمین نیاز خودشان را به پرداخت خمس مقدم داشته است، بنابراین هر کس در طول سال می‌تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال، اگر چیزی اضافه نیامد، خمس بر او واجب نیست، ولی پس از آن‌که بطور متعارف و در حد نیاز خود زندگی را گذراند، اگر در پایان سال چیزی اضافه آمد، $\frac{1}{5}$ آنچه را که اضافه آمده است باید به مجتهد جامع الشرائط برای مصارف اجتماعی مهمی بپردازد و $\frac{4}{5}$ آن را می‌تواند پس‌انداز کند.]

احکام خمس

مسألة ۴۲۴- انسان تا خمس مال خود را ندهد نمی‌تواند در آن تصرف کند، یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی‌تواند بخورد و در چنان لباسی نمی‌تواند نماز بخواند و با پولی که خمس آن

را نداده نمی‌تواند چیزی بخرد.

مسألة ۴۲۵- آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده؛ مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

مسألة ۴۲۶- اگر کودک غیربالغ سرمایه‌ای داشته باشد و از آن سودی به دست آید، و تا زمان بلوغ باقی بماند بنا بر احتیاط واجب باید پس از بلوغ، خودش خمس آن را بدهد و بر ولی او واجب نیست که قبل از بلوغ او بدهد.

مصرف خمس

مسألة ۴۲۷- خمس مال را باید دو قسمت کرد، نصف آن که سهم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است باید به مجتهد جامع الشرائط یا نماینده او پرداخت شود و نصف دیگر را به سادات نیازمند بدهند.

مسألة ۴۲۸- به سیدی که دوازده امامی نیست نمی‌توان خمس داد و هم چنین به کسی که واجب النّفقه است مثلاً انسان نمی‌تواند به زنش که سیده است خمس خود را بدهد مگر اینکه آن زن ناچار باشد مخارج اشخاص دیگری را که واجب النّفقه مرد نیستند، بپردازد.

४०३

زکات

مقدمه

زکات نیز از عبادات مالی اسلام است، و با شرایط خاصی واجب می‌شود. در اهمیت زکات همین بس که خداوند متعال در نزدیک به سی آیه قرآن، پس از دستور به نماز، سفارش به زکات می‌کند، گویی رابطه‌ای عمیق بین نماز و زکات است، به گونه‌ای که نماز بی زکات، نماز مقبولی نخواهد بود.^(۱)

روایات فراوانی نیز در مورد زکات وجود دارد، از جمله در روایتی می‌خوانیم که: «مانع زکات و شخصی که زکات بر او واجب شده و نمی‌پردازد مسلمان از دنیا نمی‌رود!».^(۲)

زکات هم مانند خمس موارد معینی دارد، یک قسم از آن زکات بدن و حیات انسان است که هر سال یک مرتبه در روز عید فطر پرداخت می‌شود و تنها بر کسانی که قدرت پرداخت

۱. وسائل الشیعه، جلد ۶، صفحه ۳، حدیث ۱.
۲. وسائل الشیعه، جلد ۶، صفحه ۱۸، حدیث ۳ و ۵.

آن را (از نظر مالی) دارند واجب است، مسائل این نوع از زکات در پایان بحث روزه گذشت.

قسم دیگر، زکات اموال است و تنها نه چیز است که زکات واجب دارد:

مسئله ۴۲۹- اموالی که پرداخت زکات آنها واجب می شود عبارت است از:

گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره سکه دار، البته در بسیاری از اموال دیگر نیز دستور پرداخت زکات به صورت مستحب آمده است.

مسئله ۴۳۰- زکات در صورتی واجب می شود که مورد زکات به حد نصاب برسد که نصاب هریک و مقدار زکات آنها در جدول زیر آمده است.

ردیف	نوع مال	نصاب	مقدار زکات
۱	گندم		* $\frac{۱}{۱۰}$ - در صورتی که با آب باران و آب رودخانه آبیاری شده است.
۲	جو	۸۴۷/۲۰۷	* $\frac{۱}{۴۰}$ - در صورتی که با آب دستی و
۳	خرما	کیلوگرم	دلو و موتور پمپ آبیاری شده است.
۴	کشمش		* $\frac{۳}{۴۰}$ - در صورتی که با هردو، آبیاری شده است.

یک گوسفند	اولین نصاب ۵ شتر		
هر ۵ شتر یک گوسفند	تا ۲۵ شتر	شتر	۵
یک شتر حداقل یکساله	۲۶ شتر		
یک گوساله یکساله	۳۰ گاو	گاو	۶
یک گوسفند	۴۰ گوسفند	گوسفند	۷
$\frac{1}{40}$	۱۵ مثقال	طلا	۸
$\frac{1}{40}$	۱۰۵ مثقال	نقره	۹

یادآوری: شتر، گاو و گوسفند و طلا و نقره، نصابهای دیگری نیز دارد که برای آشنایی با آنها می‌توانید به رساله توضیح المسائل، بحث زکات مراجعه کنید.

احکام زکات

مسئله ۴۳۱- احتیاط واجب آن است که زکات گاو و گوسفند و شتر را اگر به حد نصاب رسید بدهند، خواه از علف بیابان خورده باشد، یا از علف دستی.

مسئله ۴۳۲- زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه‌ای باشد که معامله با آن رواج دارد، بنابراین آنچه امروزه بانوان به عنوان زیور استفاده می‌کنند، زکات ندارد.

مسئله ۴۳۳- پرداخت زکات از عبادات است و باید آنچه

می‌پردازند با قصد قربت باشد.

مصرف زکات

مسأله ۴۳۴- مصرف زکات هشت مورد است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد و برخی از آن موارد بدین قرار است:

- فقیر و مسکین.
- بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد.
- غیرمسلمانانی که اگر به آنها زکات داده شود، به دین اسلام میل می‌شوند، یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند.
- در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که برای اسلام نفع داشته باشد؛ مانند ساختن مسجد و کتابخانه و کارهای فرهنگی و تبلیغی و تقویت رزمندگان اسلام.^(۱)
- مسافری در سفر مانده و محتاج شده به مقدار نیازش می‌تواند از زکات استفاده کند هر چند در محل خود غنی و بی‌نیاز باشد.
- افراد ضعیف‌الایمانی که با گرفتن زکات تقویت می‌شوند

۱- برای آشنایی با سایر موارد زکات می‌توانید به رساله توضیح المسائل، بحث مصرف زکات، مسأله ۱۶۴۱ مراجعه کنید.

و تمایل به اسلام پیدا می‌کنند می‌توانند از زکات استفاده کنند.



احکام خرید و فروش

مسئله ۴۳۵- یاد گرفتن احکام معامله، به مقداری که مورد احتیاج می باشد، واجب است.

مسئله ۴۳۶- فروختن و اجاره دادن خانه یا وسیله دیگر برای استفاده حرام، حرام است.

مسئله ۴۳۷- خرید و فروش، نگهداری، نوشتن، خواندن و درس دادن کتابهای گمراه کننده حرام است، مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد، مثلاً برای پاسخ دادن به اشکالهای آن، البته برای کسانی که قدرت این کار را دارند.

مسئله ۴۳۸- فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، حرام است؛ مثلاً شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد (این عمل را غش در معامله می گویند).

مسئله ۴۳۹- در معامله باید خصوصیات جنسی را که خرید و فروش می کنند معلوم باشد، ولی گفتن خصوصاتی که گفتن و

نگفتن آنها تأثیری در میل و رغبت مردم نسبت به آن کالا ندارد، لازم نیست. (مثلاً لازم نیست بگویند این گندم مال کدام مزرعه است).

مسألة ۴۴۰- خرید و فروش دو کالای همجنس - که با وزن یا پیمانه می فروشند - به زیادتَر «ربا» و حرام است؛ مثلاً یک تُن گندم بدهد و یک تُن و دویست کیلوگرم بگیرد. (هرچند گندم اوّل مرغوبتر باشد).

مسألة ۴۴۱- مستحبّ است فروشنده در قیمت بین مشتریها فرق نگذارد و در قیمت جنس سخت گیری نکند و سود عادلانه ای برای خود در نظر بگیرد و درخواست بهم زدن معامله را از کسی که پیشیمان است بپذیرد.

مسألة ۴۴۲- قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه، و اگر دروغ باشد حرام است.

بهم زدن معامله (فسخ)

مسألة ۴۴۳- در برخی موارد فروشنده یا خریدار می توانند معامله را بهم بزنند که از جمله آنهاست:

- * خریدار یا فروشنده گول خورده و مغبون شده باشد.
- * در هنگام معامله قرارداد کرده اند که تا مدّت معینی، هر دو

یا یکی از آنها بتوانند معامله را بهم بزنند؛ مثلاً هنگام خرید و فروش بگویند، هر کس پشیمان شد تا سه روز دیگر می‌تواند پس بدهد.

* خریدار و فروشنده از محلّ معامله متفرّق نشده باشند، مثلاً از صاحب مغازه کالایی را خریداری کرده، قبل از آن‌که آن محل را ترک کند می‌تواند آن را پس بدهد.

* کالایی که خریده است معیوب بوده و بعد از معامله بفهمد.

* فروشنده برای کالای خود که خریدار آن را ندیده، خصوصیات را بیان کرده و بعداً معلوم شود آن‌گونه نبوده است؛ مثلاً بگوید این دفتر ۲۰۰ برگ است بعداً معلوم شود کمتر است. **مسأله ۴۴۴-** اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً آن را بهم نزند، دیگر حقّ بهم زدن معامله را ندارد. (بنابر احتیاط) ولی مقداری تأخیر برای فکر کردن مانعی ندارد.





قرض دادن از کارهای مستحبی است که در قرآن و روایات، راجع به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در دنیا و در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت.

اقسام قرض

۱. مدّت دار: یعنی هنگام قرض دادن مشخص شده است که قرض گیرنده چه موقع بدهی را بپردازد.
۲. بدون مدّت: قرضی که زمان پرداخت آن مشخص نشده است.

احکام قرض

- مسأله ۴۴۵- اگر قرض مدّت دار باشد، طلبکار نمی تواند پیش از تمام شدن مدّت، طلب خود را درخواست کند.
- مسأله ۴۴۶- اگر قرض مدّت دار نباشد، طلبکار هر وقت

بخواهد می تواند طلب خود را درخواست کند. ولی مهلت دادن به کسی که برای پرداخت بدهی خود در زحمت است بسیار خوب است.

مسألة ۴۴۷- اگر طلبکار، طلب خود را درخواست کند؛ چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است.

مسألة ۴۴۸- اگر قرض دهنده شرط کند که پس از مدتی، مثلاً یک سال دیگر، زیادتر بگیرد، و یا کاری برای او انجام دهد، ربا و حرام است؛ مثلاً یک صد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال یک صد و بیست هزار تومان بگیرد، یا لباسی برای وی بدوزد، یا او هم در آینده قرض دهد.

مسألة ۴۴۹- اگر قرض دهنده شرط نکرده باشد که زیادتر بگیرد، ولی خود بدهکار زیادتر از آنچه قرض کرده پس بدهد، اشکال ندارد، بلکه مستحب است.





مقدمه

اگر انسان مال خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند، باید به احکام امانتداری عمل کند.

احکام امانتداری

مسأله ۴۵۰- کسی که توانایی ندارد از امانت نگهداری کند، نباید چیزی را به امانت قبول کند.

مسأله ۴۵۱- کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند (به شرط این که امانت به خطر نیفتد).

مسأله ۴۵۲- کسی که امانت را قبول می‌کند، اگر برای آن، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلاً اگر امانت، پول است و در خانه نمی‌تواند نگهداری کند، به بانک بسپارد.

مسألة ۴۵۳- امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند، که مردم نگویند در امانت خیانت و یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است.

مسألة ۴۵۴- اگر امانت مردم از بین برود دو حالت دارد:
الف) اگر امانتدار در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد، باید عوض آن را به صاحبش بدهد.

ب) اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و بطور اتفاقی آن مال از بین رفته؛ مثلاً سیل برده، یا سارقی آن را از محل امن و امان دزدیده است، در این صورت امانتدار ضامن نمی باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد.

مسألة ۴۵۵- امانتدار نمی تواند از امانت استفاده کند، مگر با اجازه صاحب آن، و اگر صاحب امانت بمیرد باید آن را به ورثه او بدهد.





مقدمه

عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض، چیزی هم از او نگیرد؛ مثل آن که دو چرخه خود را به کسی می دهد تا منزل برود و برگردد، یا کتابی را به رفیق خود برای مطالعه بدهد.

مسأله ۴۵۶- کسی که چیزی را عاریه داده، هر وقت بخواهد می تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه کرده، هر وقت بخواهد می تواند آن را پس بدهد.

مسأله ۴۵۷- اگر مالی را که عاریه کرده از بین برود یا معیوب شود: اگر در نگهداری از آن کوتاهی، و یا در استفاده آن زیاده روی نکرده است، ضامن نیست. ولی اگر در نگهداری آن کوتاهی کرده و یا در استفاده از آن زیاده روی کرده باشد، باید خسارت آن را بپردازد.

مسأله ۴۵۸- اگر قبلاً شرط کرده باشند که هرگونه خسارت بر آن مال وارد شود عاریه کننده ضامن است، باید خسارت را در هر حال بپردازد.



مسأله ۴۵۹- اگر شخصی چیزی پیدا کند ولی بر ندارد، وظیفه خاصی بر عهده اش نمی آید.

مسأله ۴۶۰- اگر چیزی پیدا کند و بر دارد، احکام خاصی به این شرح دارد:

اگر قیمت آن کمتر از ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار^(۱) است و صاحب آن معلوم نباشد می تواند برای خودش بردارد؛ ولی اگر صاحبش پیدا شد بنابر احتیاط واجب باید عوض آن را به او بدهد.

اگر قیمت آن بیشتر از ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار است؛ ولی نشانه ای دارد که می توان با آن صاحبش را پیدا کرد تا یک هفته هر روز و بعد از آن هفته ای یک بار اعلام کند و چنانچه تا یک سال اعلام کرد و صاحبش پیدا نشد می تواند برای خودش

۱- قیمت ۱۲/۶ نخود نقره، هم اکنون در بازار در حدود ۴۰۰۰ ریال است (بهار ۱۳۷۹ هجری شمسی).

بردارد به قصد آن‌که: اگر صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد، ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش به شخص نیازمندی صدقه بدهد.

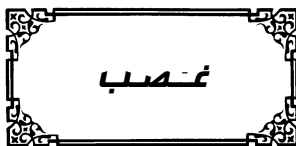
مسألة ۴۶۱- اگر می‌داند، اعلام کردن فایده ندارد و یا از پیدا شدن صاحبش ناامید شده است، اعلام لازم نیست، و آن را به شخص نیازمندی بدهد.

عوض شدن کفش

مسألة ۴۶۲- اگر کفش انسان را ببرند و کفش دیگری به جای آن مانده باشد، چنانچه می‌داند کفشی که مانده، مال کسی است که کفش او را برده است، و دسترسی به او ندارد، می‌تواند آن را به جای کفش خودش بردارد، ولی اگر قیمت آن کفش بیشتر از قیمت کفش خودش باشد، و از پیدا شدن صاحبش ناامید شود، باید مبلغ اضافی را به شخص فقیری بدهد.

مسألة ۴۶۳- اگر احتمال می‌دهد، کفشی که مانده، مال کسی نیست که کفش او را برده، و دسترسی به او نیست، باید صاحبش را جستجو کند و چنانچه از پیدا کردن وی مأیوس شود، قیمت آن یا خودش را، به شخص نیازمندی می‌دهد.





مقدمه

غصب آن است که انسان، به ناحق و از روی ظلم و ستم، بر اموال دیگران یا حقوق آنان مسلط شود.

غصب از گناهان بزرگ است و انجام دهنده آن در قیامت به عذاب سخت گرفتار می‌شود. و در این جهان نیز عواقب دردناکی دارد.

مسئله ۴۶۴- اگر انسان چیزی را غصب کند، علاوه بر آن که کار حرامی کرده، باید آن را به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.

مسئله ۴۶۵- اگر چیزی را که غصب کرده، خراب کند، باید آن را برگرداند و تفاوت قیمت آن را هم بدهد.

مسئله ۴۶۶- اگر چیزی را که غصب کرده، تغییری در آن داده که از اولش بهتر شده باشد، مثل اینکه دو چرخه را تعمیر کرده، باید آن را به همان صورت، به او بدهد، و نمی‌تواند برای

زحمتی که کشیده مزد بگیرد، و حق ندارد آن را تغییر دهد که
مثل اولش بشود، به علاوه باید معادل کرایه آن را در مدتی که
غصب کرده، بپردازد.

خوردن و آشامیدن

مقدمه

خداوند بزرگ برای استفادهٔ انسانها، طبیعتِ زیبا و تمام حیوانات و میوه‌ها و سبزیجات را در اختیار آنها قرار داده است، تا از آن برای خوردن و آشامیدن و پوشاک و مسکن و سایر نیازهای خود بهره‌گیرند، ولی برای حفظ جان انسانها و سلامت جسم و روح آنها و بقای نسلها و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرراتی قرار داده است که در این قسمت با برخی از آنچه که در رابطهٔ با خوراکیها و آشامیدنیهاست آشنا می‌شوید:

مسألهٔ ۴۶۷- خوردن چیزی که برای انسان ضرر مهمی دارد حرام است.

مسألهٔ ۴۶۸- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

مسألهٔ ۴۶۹- خوردن گِل حرام است.

مسألهٔ ۴۷۰- خوردن کمی از تربت سیدالشهدا علیه السلام برای شفا از بیماری اشکال ندارد (می‌توانند این مقدار کم را در آب حل کنند

و عده‌ای بخورند).

مسأله ۴۷۱- بر هر مسلمانی واجب است مسلمان دیگری را که به خاطر گرسنگی یا تشنگی جانش در خطر است آب و غذا داده و او را از مرگ نجات دهد.

آداب غذا خوردن

مسأله ۴۷۲- این کارها در رابطه با غذا خوردن مستحب است:

۱. دستها را قبل و بعد از غذا خوردن بشوید.
 ۲. در اول غذا «بِسْمِ اللَّهِ» و در پایان «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگویید.
 ۳. با دست راست غذا بخورد.
 ۴. لقمه را کوچک بردارد.
 ۵. غذا را خوب بچَود.
 ۶. میوه را پیش از خوردن با آب بشوید.
 ۷. اگر چند نفر سر سفره نشسته‌اند، هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد.
 ۸. میزبان پیش از همه شروع به خوردن کند و بعد از همه دست بکشد. (تا میهمانها خجالت نکشند).
- مسأله ۴۷۳-** این کارها در رابطه با غذا خوردن مکروه است:
۱. در حال سیری غذا خوردن.

۲. پرخوری (زیاد غذا خوردن).
۳. نگاه کردن به دیگران هنگام غذا خوردن.
۴. خوردن غذای داغ.
۵. فوت کردن به غذایی که می خورد.
۶. پاره کردن نان با کارد.
۷. گذاشتن نان زیر ظرف غذا.
۸. دور انداختن بقیه میوه، پیش از آن که کاملاً آن را بخورد.

آداب آب نوشیدن

مسأله ۴۷۴- در نوشیدن آب رعایت این امور سزاوار است:

۱. در روز، ایستاده آب بخورد.
۲. پیش از آشامیدن آب «بِسْمِ اللّٰهِ» و بعد از آن «الْحَمْدُ لِلّٰهِ» بگوید.

۳. به سه نفس آب بیاشامد. (با یک نفس آب نخورد).
۴. پس از آشامیدن آب، بر حضرت امام حسین ۷ و خاندان و یاران او سلام بفرستد و قاتلان ایشان را لعنت کند.

مسأله ۴۷۵- در نوشیدن آب این امور سزاوار نیست:

۱. زیاد آشامیدن.
۲. آشامیدن آب بعد از غذای چرب.

۳. با دست چپ آب نوشیدن.
۴. در شب، ایستاده آب نوشیدن.
۵. آب مشکوک یا آلوده نوشیدن.
۶. از کوزه شکسته و ظرف آلوده آب خوردن.



احکام سر بریدن حیوان

مسألة ۴۷۶- اگر چهار رگ بزرگ گردن حیوان حلال گوشت را از پایین برآمدگی زیر گلو با شرایطی که خواهد آمد، بطور کامل ببرند، گوشت آن پاک و حلال خواهد بود.

شرایط سر بریدن حیوان

مسألة ۴۷۷- سر بریدن حیوان پنج شرط دارد:

- * کسی که سر حیوان را می برد، مسلمان باشد.
- * سر حیوان را با ابزار فلزی ببرند.
- * هنگام بریدن، صورت و دست و پا و شکم حیوان رو به قبله باشد.
- * هنگام سر بریدن حیوان، نام خدا را ببرد، و اگر بگوید «بسم الله» کافی است.
- * حیوان پس از سر بریدن حرکتی نکند که معلوم شود موقع سر بریدن زنده بوده است.

شکار با اسلحه

مسئله ۴۷۸- اگر حیوان حلال گوشت و حشی را با شرایطی که

بیان می شود، با اسلحه شکار کنند پاک و حلال خواهد بود:

* اسلحه شکار، مثل کارد و شمشیر بزنده باشد، یا مثل نیزه و

تیر، تیز باشد یا مانند گلوله های ساچمه ای باشد که بدن حیوان را

پاره کند و خون جاری شود.

* کسی که حیوان را شکار می کند، مسلمان باشد.

* اسلحه را برای شکار به کار ببرد، پس اگر جای دیگر را

نشانه بگیرد و بطور اتفاقی به حیوان بخورد، حلال نیست.

* هنگام بکار بردن اسلحه (مثلاً هنگام رها کردن تیر) نام

خدا را ببرد.

* پس از زدن حیوان، با شتاب به سوی حیوان برود، و

هنگامی به حیوان برسد، که مرده باشد و یا به مقدار سر بریدن آن

وقت نباشد، بنابراین اگر هنوز نمرده، و وقت برای سر بریدن آن

باشد ولی سر آن را نبرد، تا بمیرد حرام است.

صید ماهی

مسئله ۴۷۹- اگر ماهی پولک دار را زنده از آب بگیرند و بیرون

آب یا درون دام بمیرد، پاک و خوردن آن حلال است، ولی اگر در

آب و خارج از دام بمیرد، گرچه بدنش پاک است ولی خوردن آن
حرام می باشد.

مسألة ۴۸۰- ماهیهایی که پولک ندارند، حرام است؛ ولی میگو
حلال است.

مسألة ۴۸۱- کسی که ماهی را صید می کند، لازم نیست
مسلمان باشد، و لازم نیست نام خدا را ببرد.

احکام ازدواج

بی شک هیچ شالوده‌ای مقدّس‌تر از شالوده بنای رفیع ازدواج نیست، زیرا در سایه این بنای مقدّس، زن و شوهر به آرامش می‌رسند، و نیازهای طبیعی خود را بر طرف می‌سازند، و علاوه بر ساختن آینده خود در دنیا، برای جهان آخرت خود نیز بهتر گام بر می‌دارند، و بدینسان امنیّت و آرامش جهان آخرت را نیز در این جهان و با این امر مقدّس پایه‌گذاری می‌کنند. بنابراین، درخت پرثمر ازدواج میوه‌های شیرینی همچون آرامش فردی، اجتماعی، دنیایی و آخرتی دارد، بدین جهت در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام فوق العاده مورد تأکید قرار گرفته است. به بخشی از احکام ازدواج توجه فرمائید:

نگاه کردن

یکی از نعمت‌های خداداد، قدرت بینایی است، انسان باید از

این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقی خود و هموعانش استفاده کند، و آن را از نگاه به نامحرمان باز دارد، گرچه نگاه به طبیعت و زیبایی‌های آن، اشکال ندارد، ولی نگاه به دیگران، احکام خاصی دارد که در اینجا به برخی از آنها می‌پردازیم:

مَحْرَم و نامَحْرَم

مسأله ۴۸۲- محرم کسی است که ازدواج با او حرام است و نگاه به او اشکالی ندارد.

مسأله ۴۸۳- افراد زیر به خاطر رابطه نسبی بر پسرها و مردان محرمند:

- * مادر و مادر بزرگ.
 - * دختر و دختر فرزندان (نوه).
 - * خواهر.
 - * خواهر زاده (دختر خواهر).
 - * برادر زاده (دختر برادر).
 - * عمه (عمه خودش و عمه پدر و مادرش).
 - * خاله (خاله خودش و خاله پدر و مادرش).
- و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج محرم می‌شوند، از جمله آنهاست:

* همسر

* مادر زن و مادر بزرگ او.

* زن پدر (نامادری).

* زن پسر (عروس)

زن برادر و خواهر زن نامحرمند؛ همچنین زن عمو و

زن دایی.

مسأله ۴۸۴- افراد زیر به خاطر رابطه نسبی بر دخترها و زنان

محرمند:

* پدر و پدر بزرگ.

* پسر و پسر فرزند (نوه).

* برادر

* خواهرزاده (پسر خواهر).

* برادرزاده (پسر برادر).

* عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش).

* دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش).

و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر دخترها و بانوان محرم

می شوند، از جمله آنهاست:

* شوهر.

* پدر شوهر و پدر بزرگ شوهر.

* شوهر دختر (داماد).

شوهر خواهر و برادر شوهر محرم نیستند، همچنین شوهر عمّه و شوهر خاله.

بجز افرادی که بیان شد ممکن است کسان دیگری نیز به سبب ازدواج، با شرایط خاصی بر یکدیگر محرم شوند که در کتابهای مفصل فقهی آمده است.

مسألة ۴۸۵- اگر زنی با شرایطی که در کتابهای فقهی آمده است، بچه‌ای را شیر دهد، آن بچه بر آن زن و افراد دیگر محرم می‌شود که جهت آشنایی بیشتر می‌توانید به رساله توضیح المسائل، مسألة ۲۱۰۸ مراجعه کنید.

نگاه به دیگران

مسألة ۴۸۶- بجز زن و شوهر، نگاه کردن هر انسانی به فرد دیگر، اگر برای لذت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد مانند نگاه مرد به مرد دیگر، و یا غیر همجنس باشد مانند نگاه مرد به زن، و خواه از محارم باشد و یا غیر محارم و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد.

مسألة ۴۸۷- پسرها و مردان می‌توانند به آن مقدار از بدن زنانی

که محرم هستند نگاه کنند که معمولاً آن را در برابر محرم نمی پوشانند.

مسألة ۴۸۸- پسرها و مردان نمی توانند به بدن و موی زن نامحرم نگاه کنند، ولی نگاه کردن به دستها تا میچ و صورت به مقدار گردی صورت، اگر به قصد لذت بردن نباشد، اشکال ندارد.

مسألة ۴۸۹- دخترها و بانوان می توانند بدون قصد لذت به سر و صورت و گردن مرد نامحرم به مقداری که بطور متعارف نمی پوشانند، نگاه کنند.

ازدواج

مسألة ۴۹۰- کسی که به واسطه نداشتن همسر به حرام می افتد؛ و آلوده به بی عفتی می شود واجب است ازدواج کند.

مسألة ۴۹۱- در ازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن کافی نیست، بنابراین، خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست و با سایر زنان نامحرم تفاوتی ندارد، ولی پسر و دختری که قصد ازدواج دارند می توانند به مقداری که برای شناخت لازم است به یکدیگر نگاه کنند (بدون قصد

لذت).

مسألة ۴۹۲- بهتر است صیغه عقد را فرد عالمی بخواند که از تمام شرایط آن آگاه است.

۴۹۲

احکام سلام کردن

مسئله ۴۹۳- سلام کردن به دیگران مستحب، ولی جواب سلام واجب است.

مسئله ۴۹۴- سلام کردن به کسی که در حال خواندن نماز می باشد، مکروه است.

مسئله ۴۹۵- اگر کسی به نمازگزار سلام کند باید همانطور که او سلام کرده جواب دهد؛ مثلاً اگر گفته: «سلام علیکم» در جواب بگوید: «سلام علیکم» و اگر گفت: «سلام»، بگوید: «سلام».

مسئله ۴۹۶- کسی که نماز می خواند، جایز نیست به دیگران سلام کند.

مسئله ۴۹۷- سلام را باید فوراً جواب داد.

مسئله ۴۹۸- اگر دو نفر، همزمان به یکدیگر سلام کنند، بر هر کدام واجب است، جواب سلام دیگری را بدهد.

مسئله ۴۹۹- جواب سلام بچه نیز واجب است و اگر غیر

مسلمان سلام کند در جواب فقط می‌گوید: «سلام».

آداب سلام کردن

مسألة ۵۰۰- مستحب است: سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و گروه اندک به گروه زیاد و کوچکتر به بزرگتر سلام کند.

مسألة ۵۰۱- مستحب است، در غیر نماز، جواب سلام را بهتر از آن بدهد، مثلاً اگر کسی بگوید: «سلام علیکم» مستحب است در جوابش بگوید: «سلام علیکم و رحمة الله».

مسألة ۵۰۲- سلام کردن مرد به زن جوان نامحرم مکروه است.



احکام قرآن

- مسأله ۵۰۳-** قرآن همیشه باید پاک و تمیز باشد و نجس کردن خط و ورق قرآن، حرام است، و اگر نجس شود باید فوراً آن را به طرز صحیحی آب بکشند.
- مسأله ۵۰۴-** اگر جلد قرآن نجس شود و بی احترامی به قرآن باشد، باید آن را هم آب بکشند.

لمس کردن خطوط قرآن

- مسأله ۵۰۵-** دست زدن، بوسیدن و رساندن جایی از بدن به نوشته قرآن، برای کسی که وضو ندارد حرام است.
- مسأله ۵۰۶-** در لمس نوشته قرآنی، فرقی بین آیات و کلمات، بلکه حروف و حتی حرکات آن نیست.
- مسأله ۵۰۷-** در چیزی که قرآن بر آن نوشته شده است، بین کاغذ و زمین و دیوار و پارچه فرقی نیست.
- مسأله ۵۰۸-** در نوشته قرآنی فرقی نیست که با قلم نوشته شده

باشد یا چاپ یا گچ و یا چیز دیگر.

مسألة ۵۰۹- اگر نوشته قرآنی در قرآن هم نباشد، لمس آن حرام است. پس اگر آیه‌ای از قرآن در کتاب دیگری نوشته شده باشد، باز هم لمس آن بدون وضو حرام است.

مسألة ۵۱۰- موارد زیر، لمس نوشته قرآن به حساب نمی‌آید و حرام نمی‌باشد:

* لمس آن از پشت شیشه، یا پلاستیک.

* لمس ورق قرآن و جلد آن و اطراف نوشته‌ها.

* لمس ترجمه قرآن، به هر لغتی باشد، مگر اسم خداوند که به هر لغتی باشد، لمس آن برای کسی که وضو ندارد حرام است، مانند کلمه «خدا».

مسألة ۵۱۱- کلماتی که مشترک بین قرآن و غیر قرآن است مانند «مؤمن»، «الذین» اگر نویسنده به قصد قرآن نوشته باشد لمس آن بدون وضو حرام است. (بنابر احتیاط).

مسألة ۵۱۲- لمس خطوط قرآن بر جُنب، حرام است.

مسألة ۵۱۳- انسان جُنب نباید آیات سجده واجب قرآن را بخواند، (تفصیل آن در مسألة ۱۲۱ گذشت).



قسم خوردن

مسأله ۵۱۴- اگر کسی به یکی از اسامی خداوند عالم مانند «خدا» و «الله» قسم بخورد که کاری را انجام دهد، یا ترک کند، مثلاً سوگند بخورد که دو رکعت نماز بخواند، واجب است به آن عمل کند.

مسأله ۵۱۵- اگر عمدآبه سوگندی که خورده است عمل نکند، باید کفاره بدهد و کفاره آن یکی از دو چیز است:

* سیر کردن ده فقیر.

* پوشاندن ده فقیر.

و اگر هیچ کدام از اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد.

مسأله ۵۱۶- کسی که برای اثبات چیزی قسم می خورد، اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است. ولی کفاره ندارد، کفاره در جایی است که چیزی را بر عهده بگیرد و سپس انجام ندهد.

مسائل متفرقه

- ۱- بقای بر تقلید میّت: بقاء بر تقلید میّت در مسائلی که عمل کرده جایز است و اگر میّت اعلم باشد واجب می باشد.
- ۲- کف زدن: کف زدن مانعی ندارد اما در مساجد و حسینیه ها ترک شود.
- ۳- رقصیدن: تنها رقص زن برای شوهرش جایز است و بقیه اشکال دارد.
- ۴- شطرنج: اگر شطرنج در عرف عام از صورت قمار خارج شده باشد و به عنوان ورزش شناخته شود، مانعی ندارد.
- ۵- پاسور بدون برد و باخت: اگر پاسور در عرف عام از صورت قمار خارج شده باشد و به عنوان سرگرمی محسوب شود بازی بدون برد و باخت با آن اشکال ندارد.
- ۶- تراشیدن ریش: احتیاط در ترک آن است.
- ۷- موسیقی: کلیه صداها و آهنگ هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با

مراجعة به اهل عرف خواهد بود.

۸- مادر جانشین: این امر ذاتاً جایز است؛ ولی چون غالباً مستلزم نگاه و لمس حرام است، جز در موارد ضرورت جایز نیست.

۹- جلوگیری از انعقاد نطفه: برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله مشروعی که بی ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن نشود یعنی مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل ساقط نگردند، ذاتاً مجاز است؛ ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع می باشد، تنها در صورت ضرورت فردی یا اجتماعی جایز است.

۱۰- سقط جنین: در صورتی که یقین یا خوف خطر یا ضرر مهمی برای مادر داشته باشد در مراحل اولیه جایز است.

۱۱- تغییر جنسیت: تغییر جنسیت و ظاهر ساختن جنسیت واقعی ذاتاً خلاف شرع نیست؛ ولی باید از مقدمات مشروع استفاده شود یعنی نظر و لمس حرام در آن نباشد، مگر اینکه به حد ضرورت همچون ضرورت مراجعه بیمار به طبیب، رسیده باشد که جایز است.

۱۲- حکم سپرده بانک‌ها: چنانچه رعایت عقود شرعیه را بنمایند یا اینکه وکالت مطلقه به مسئولین بانک داده شود که رعایت این عقود را بنمایند حلال است.

۱۳- سهام فروشگاه‌های زنجیره‌ای: هرگاه به مسئولین آنها وکالت داده شود که عقود شرعیه را در آن رعایت کنند، مانعی ندارد.

۱۴- نگاه کردن به زنان نامحرم در تلویزیون: چنانچه موجب فساد و انحراف نشود جایز است.

۱۵- حکم تخریب بنای مسجد: چنانچه برای تعمیر و توسعه لازم باشد، مانعی ندارد.

۱۶- حکم ظروف و اشیاء دیگر غیر قابل استفاده مساجد: اگر به هیچ وجه در آن مسجد و مساجد دیگر قابل استفاده نیست، می‌توانند آن را بفروشند و اشیاء مشابه قابل استفاده‌ای خریداری کنند.

۱۷- حکم انتقال لوازم ساختمان مسجد مخروبه: چنانچه در مساجد دیگر قابل استفاده باشد به آنها بدهند و اگر قابل استفاده نیست، بفروشند و وجه آن را در همان مسجد و اگر احتیاج نباشد، در مساجد دیگر مصرف کنند.

۱۸- نماز در شبهای مهتابی: فرقی میان شبهای مهتابی و غیر مهتابی نیست.

۱۹- نماز و روزه در بلاد کبیره: فرقی میان بلاد کبیره و غیر کبیره نیست. بلاد کبیره شهرهایی است که هر محله آن برای خود شهر مستقلی باشد، اما مثل تهران و مانند آن جزء بلاد کبیره نیست و تمام آن از نظر قصد اقامه یا وطن بودن یک محل محسوب می‌شود.

۲۰- کیفیت تطهیر موکت چسبیده به زمین: به وسیله آب لوله کشی پاک می‌شود و مقداری فشار باید داده شود و بهتر این است که غسل آن را با چیزی جمع کنند.

۲۱- تکلیف کسی که مقلد مرجعی بوده و بعد از فوت او به

مجتهد حی رجوع کرده است: مسائلی را که از مرجع اول تقلید کرده بر تقلید او باقی بماند و همچنین مسائلی که از مرجع دوم تقلید کرده و بقیه را به فتوای مجتهدی حی عمل کند.

۲۲- ثبوت هلال: در شهرهایی که از نظر افق با شهری که هلال در آن رؤیت شده هم افق و یا قریب الافق است و همچنین اگر در مناطق شرقی دیده شود برای مناطق غربی حجّت است.

۲۳- شبیه خوانی: اگر امر خلاف شرعی در آن نباشد و موجب هتک مقدّسات نشود اشکالی ندارند.

۲۴- کارمزد: منظور از کارمزد حق الزّحمه‌ای است که به کارمندان بانک یا صندوق قرض الحسنه و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت حفظ حسابها و سایر خدمات انجام می دهند داده می شود و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیت گرفته شود و به عنوان حقوق صرف کارمندان و هزینه های دیگر شود مانعی ندارد.

۲۵- وام گرفتن: وام گرفتن از بانکها مانعی ندارد و در صورتی که طبق عقود شرعیّه باشد مبلغ اضافی را که می پردازد ربا نیست.

۲۶- وضو گرفتن و نماز خواندن و استفاده از غذا در خانه کسی که خمس نمی دهد: اگر یقین ندارید خانه یا غذای او از پول غیر مخمّس تهیّه شده، تصرّف در آن مانعی ندارد و اگر یقین دارید ما به شما اجازه می دهیم تصرّف کنید و معادل خمس آن را که تصرّف کرده اید به سادات نیازمندی بپردازید و اگر تمکّن ندارید بر ذمه بگیرید و هر موقع که توانستید بپردازید

۲۷- نیت نماز صبح برای کسی که شک دارد آفتاب زده یا نه:
می تواند به قصد ما فی الذمه بخواند یا به نیت ادا.

۲۸- خمس جهیزیه: در موردی که تهیّه جهیزیه معمول و مورد نیاز است (مثلاً دختر در معرض ازدواج است یا تهیّه آن جز به صورت تدریجی میسر نیست) خمس ندارد و در غیر این صورت خمس آن واجب است.

۲۹- کسانی که مادر آنها سید است: از جهاتی حکم سید دارند و از جهاتی ندارند. خمس نمی توانند بگیرند و از لباس مخصوص سادات نمی توانند استفاده کنند اما از جهاتی شرافت سیادت دارند.

۳۰- آب مضاف اگر بقدری زیاد باشد که افتادن نجاست در یک سوی آن عرفاً سبب سرایت به سوی دیگر نشود (مانند یک حوض بزرگ از آب مضاف تمام آن با ملاقات نجاست، نجس نمی شود).

۳۱- هرگاه حیوانی به غیر دستور شرعی ذبح شده باشد پاک است، هر چند خوردن گوشت آن حرام می باشد، بنابراین پوست و چرم حیواناتی که از ممالک غیر اسلامی می آورند در صورتی که بدانیم از حیوانات ذبح شده است، پاک است.

۳۲- کسانی که می خواهند مدت قابل توجهی در یک محل بمانند (مانند طلبی که قصد اقامت چند سال در حوزه علمیه دارند یا مأموران ادارات که مثلاً دو سه سال در یک محل اقامت می کنند در آنجا مسافر محسوب نمی شوند، اقامتگاه آنها حکم وطن دارد و نمازشان در آنجا تمام است، هر چند قصد ده روز

نداشته باشند.

۳۳- کسانی که شغلشان سفر است (مانند راننده بیابانی) یا سفر مقدمه شغل آنهاست (مانند کسانی که در یک شهر اقامت دارند و همه روزه برای تدریس یا کار دیگر به شهرهای مجاور می‌روند) و مجموع رفت و برگشت آنها هشت فرسخ یا بیشتر است، نمازشان تمام و روزه ماه رمضان بر آنها واجب است.

۳۴- هرگاه چیزی جزء مؤونه سال گردد، مانند خانه و فرش و وسایل دیگر، اگر بعداً آن را بفروشند به قیمت آن خمس تعلق نمی‌گیرد مخصوصاً اگر بخواهند آن را تبدیل به مثل کنند.

۳۵- ذبح حیوانات با وسایل ماشینی در صورتی که شرایط شرعی آن مطابق آنچه در بحث ذبح حیوانات گفته شد انجام شود جایز است و چنان حیوانی پاک و حلال است.

۳۶- خرید و فروش رادیو و تلویزیون و سایر وسایلی که دارای منافع مباح و مشروع قابل ملاحظه است، جایز است.

۳۷- هرگاه ماهی بعد از افتادن در دام در داخل آب بمیرد، حلال است.

۳۸- حیل‌های ربا که قصد جدی در آن نیست، مثل آنچه در میان بعضی معمول است که وامی را به کسی می‌دهند و بعد سود آن را که چند هزار تومان است با یک سیر نبات مصالحه می‌کنند باطل و بی‌اساس است و مبلغ اضافی ربا محسوب می‌شود.

۳۹- بسیاری از مردم پولی می‌دهند و خانه‌ای را رهن می‌کنند و مال الاجاره خانه تخفیف داده می‌شود، این کار به یک صورت صحیح است و به یک صورت باطل، هرگاه خانه را

اجاره کند و در ضمن عقد اجاره شرط کند که فلان مبلغ را به عنوان وام به او بدهد و خانه را رهن کند صحیح است، ولی اگر قبلاً وام و رهن انجام گیرد و ضمن آن شرط شود مال الاجاره تقلیل داده شود حرام و باطل است.

۴۰- ضمانت دیگری خواه به صورت نقل ذمه باشد (یعنی بدهی طرف را به عهده گیرد که بپردازد) یا به صورت ضم ذمه به ذمه باشد (یعنی اگر بدهکار نپرداخت او بپردازد) هر دو صورت، صحیح و مشروع است.

۴۱- اراضی موات با ثبت دادن ملک کسی نمی شود، بلکه باید آن را احیاء کند یعنی آماده برای کشت و زرع نماید.

۴۲- تعزیر منحصر به شلاق زدن نیست، بلکه جریمه های مالی و زندان و حتی معرفی خطاکار در وسایل ارتباط جمعی و یا انواع مختلف توبیخ را نیز شامل می شود (البته انتخاب هر یک از این امور بسته به نظر حاکم شرع و چگونگی جرم و خصوصیات مجرم و سایر امور مربوطه است).

۴۳- در حجاب اسلامی نوع لباس و رنگ آن تفاوت نمی کند بلکه واجب است پوشاندن تمام بدن غیر از صورت و دستها تا میچ، ولی پوشیدن لباسهای زینتی هر چند بدن آشکار نباشد جایز نیست.

۴۴- شخصیت های حقیقی و حقوقی هر دو مالک می شوند و می توانند طرف معامله واقع گردند، بنابراین هر مؤسسه خیریه یا انتفاعی که تأسیس گردد و دارای شخصیت حقوقی شود، با اشخاص حقیقی از این نظر تفاوت نمی کند.

۴۵- نوشتن و امضاء کردن اسناد در تمام معاملات می تواند
جانشین خواندن صیغه لفظی گردد، جز در ازدواج و طلاق که
احتیاط واجب آن است که صیغه لفظی خوانده شود.
۴۶- کشیدن سیگار، انواع دخانیات و مواد مخدر مطلقاً حرام
است.

۴۷- خرید و فروش خون برای نجات جان بیمار جایز
است، ولی در مورد خرید و فروش اعضای بدن مانند کلیه و
امثال آن، احتیاط آن است که اگر پولی می خواهند بگیرند در
مقابل اجازه برداشتن عضو از بدن شخص دهنده بوده باشد، نه
در مقابل خود عضو و اصل این کار در صورتی جایز است که
برای دهنده تولید خطر نکند.

۴۸- خریدار و فروشنده در تعیین نرخ کالا آزادند، ولی اگر
این آزادی در مواردی سبب فساد و اختلال نظام اقتصادی
جامعه اسلامی گردد، حاکم شرع در چنین مواردی می تواند
تعیین نرخ کند و مردم را به آن ملزم سازد.

۴۹- دفاع از کشورهای اسلامی واجب است و منحصر به
کشوری نیست که انسان در آن زندگی می کند بلکه همه مسلمین
دنیا در برابر هجوم اجانب به کشورهای اسلامی یا مقدّسات
مسلمین باید مدافع یکدیگر باشند.

۵۰- وقت اذان صبح (برای نماز و روزه) در شبهای مهتابی و
غیر مهتابی یکسان است و معیار، ظاهر شدن نور شفق در افق
است، هر چند بر اثر تابش مهتاب نمایان نباشد.

مسألة ۵۱۷- اگر انسان به صورت کسی سیلی یا چیز دیگری بزند، بطوری که صورت او سرخ شود، باید $\frac{۱}{۵}$ مثقال شرعی طلائی سکه دار، بدهد و اگر کیود شود، سه مثقال، و اگر سیاه شود شش مثقال، و هر مثقال شرعی ۱۸ نخود است. ($\frac{۳}{۴}$ مثقال معمولی).

مسألة ۵۱۸- اگر جای دیگر (غیر از صورت) بدن کسی را به واسطه زدن، سرخ یا کیود یا سیاه کند، باید نصف آنچه در مسألة قبل گفته شد بدهد.

مسألة ۵۱۹- کشتن حیوانی که اذیت می رساند و مال کسی نیست؛ مانند مار و عقرب، اشکال ندارد.

مسألة ۵۲۰- جایزه ای را که بانک به بعضی از کسانی که در صندوق پس انداز پول می گذارند می دهد، در صورتی که بانک برای تشویق مردم از خودش بدهد حلال است.

مسألة ۵۲۱- احتیاط در ترک تراشیدن ریش است

مسألة ۵۲۲- استمناکردن حرام است، و این کار زیانهای زیاد و غیر قابل انکاری دارد.

مسألة ۵۲۳- سینه زدن در کوچه و خیابان با اینکه زنها می بینند، در صورتی که که سینه زن، پیراهن پوشیده باشد، اشکال ندارد، ولی اگر برهنه شود جایز نیست.

مسألة ۵۲۴- ساختن و خرید و فروش مجسمه اشکال دارد، ولی اسباب بازی بچه ها اشکالی ندارد.

مسألة ۵۲۵- بازی‌ها و مسابقاتی که در آن برد و باخت مالی باشد، حرام است.

مسألة ۵۲۶- تنبیه بدنی دانش‌آموزان جایز نیست، مگر در شرایط خاصی.

مسألة ۵۲۷- تقلب در امتحانات جایز نیست.

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پایان